

منجلاّب ترامپيسم و افق سوسياليسم

حميد تقوايي، صفحه ۲



واکنش حکومت به فراخوان کشاورزان معترض اصفهان به مردم

مهران محبی، صفحه ۷

جنگ درخواستی علیه انقلاب-یاشار سهندی صفحه ۹

اعتراضات گسترده کشاورزان اصفهان با همراهی مردم صفحه ۶

از مبارزات حق طلبانه مردم ترکیه با تمام قوا حمایت کنیم! صفحه ۸

تجمع اعتراضی کارگران ماشین سازی اراک و تجمع بازنشستگان در رشت صفحه ۱۲

اعتراضات کشاورزان اصفهان گسترش می یابد

حمله نیروهای سرکوب به کشاورزان اصفهان در هرند محکوم است، صفحه ۱۳

اخباری از اعتراضات بر سر معیشت، و مرخصی داود رضوی از زندان بعد از ۹۵۴ روز حبس

صفحه ۱۵

تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد و معدن در چندین شهر

معیشت، منزلت، حق مسلم ماست، صفحه ۱۵

تجمعات بازنشستگان مخابرات در چندین شهر و تجمع کارگران رسمی نفت در لاوان صفحه ۱۶

تظاهراتهای هزاران نفره علیه دولت ترامپ

کاظم نیکخواه، صفحه ۱۶

مدیای اجتماعی

بیانیه: شورای بازنشستگان ایران در اعتراض به افزایش سن بازنشستگی، صفحه ۱۷

جان پخشان عزیزی در خطر است به نجات جان او بشتابیم، صفحه ۱۷

جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود، صفحه ۱۷

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۷۸

۱۸ فروردین ۱۴۰۴

۲۷ آوریل ۲۰۲۵



دوشنبه ها منتشر میشود

گام های پر قدرت جنبش

زن زندگی آزادی

کارگر کارگاهی - حمید

دائمی، صفحه ۵

اعتراضات کشاورزان و

بحران آب - شهلا دانشفر

صفحه ۶

کارگران در هفته ای که

گذشت، صفحه ۱۰

از خوزستان خبر میرسد

واحد خوزستان کمیته

سازمانده حزب کمونیست

کارگری

صفحه ۱۱

سیزده بدر علیه اعدام، و

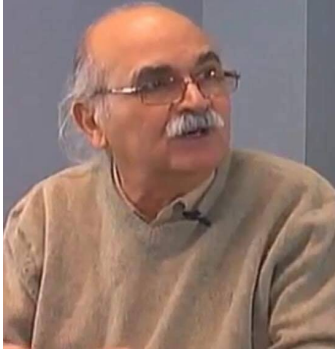
ادامه سه شنبه های نه به

اعدام

صفحه ۱۴

پیش بسوی اول مه روز جهانی کارگر

منجلاب ترامپیسیم و افق سوسیالیسم - حمید تقوایی



زمینه های عروج قدرت گیری ترامپ، رئیس جمهوری که تقریباً همه صاحب نظران و دولتها سیاستهایش را به ضرر سرمایه داری جهان میدانند، کدامست؟

از تاجریسم تا ترامپیسیم

ترامپیسیم حاصل روند قهقرانی است که بعد از سقوط شوروی در جهان آغاز شد. از نظر سیاسی در دو دهه آخر قرن گذشته دست شستن کامل از مسئولیت دولت در قبال جامعه و دولت رفاه و خدمات اجتماعی که در اثر پیشرویهایی جنبش کارگری و جنبشهای حق طلبانه بدنابل پیروزی انقلاب اکتبر در جهان حاصل شده بود، به گرایش اصلی بورژوازی جهانی تبدیل شد. سوسیال دموکراسی اسکاندیناوی و احزاب سوسیالیست آلمانی و فرانسوی به حاشیه رانده شدند و راست ترین جناحهای بورژوازی در غرب و در همه جهان میداندار شدند. عروج تاجریسم و ریگانیسیم در آخرین سالهای قبل از اضمحلال شوروی زمینه را برای این جهتگیری فراهم کرد. (بنیاد هریتیج در دوره ریگان تاسیس شد). سر بلند کردن اسلام سیاسی در خاورمیانه از نتایج و عوارض این به راست چرخیدن غرب بود. تاچر و ریگان در واقع پرچمداران فلسفه و دکترین سیاسی ای بودند که تحت نام نئولیبرالیسم و یا نئوکنسرواتیسم همه جهان سرمایه داری پسا شوروی در غرب و شرق را در برگرفت. از نظر اقتصادی فریدمنیسم مکتب اقتصادی این گرایش بود.

امروز این گرایش در ادامه روند منطقی خود به نفی کامل لیبرال دموکراسی رسیده است. در محور این روند ورشکستگی کامل فریدمنیسم قرار دارد که در ۲۰۰۸ بنیادهای جهان "سرمایه داری بازار آزاد" و دکترین های مبتنی بر آنرا به لرزه انداخت. کاپیتالیسم بعد از ۲۰۰۸ نظامی است که از لحاظ نظری دکترین و افق سیاسی خود را از دست داده است. تمام آزادی و دموکراسی و حقوق بشر پناهی های بورژوازی از میان برخاسته اند و بجز تقدس سودآوری عده قلیلی که هر روز ثروشان بیشتر و تعدادشان قلیل تر میشود چیزی برای طبقه سرمایه دار باقی نمانده است.

"نظم نوین" پسا شوروی، هژمونی طلبی میلیتاریستی آمریکا، و مداحی معجزات سرمایه داری بازار آزاد مدتها قبل از بحران ۲۰۰۸ پایان رسیده بود. بوشیسم و عملیات "شوک و بهت"

shock and awe نافرجام مانده بود و اوباما ناگزیر شده بود از رهبری سرمایه داری بازار آزاد به صندلی عقب و به "طرف درست تاریخ" عقب نشینی کند. این دوره برزخی است که صاحب نظران و نشریات استراتژیک جهان سرمایه نظیر اکونومیست آنرا "بیماری دموکراسی" نامیدند و به جستجوی راههای درمان آن برآمدند. این بیمار امروز مرده است. و ترامپیسیم مشغول اجرای مراسم کفن و دفن آن است. بعد از به خاک سپردن لیبرالیسم بوسیله نئولیبرالیسم اکنون نوبت دفن نئولیبرالیسم بوسیله فاشیسم فرا رسیده است. تمام ارکان دموکراسی لیبرالی از تفکیک قوا گرفته تا تجارت آزاد و از آزادی زن تا حقوق بشر رسماً و علناً نفی میشود تا نظم سرمایه به بقای خودش ادامه دهد.

اقتصاد دوره گذار به فاشیسم

ترامپیسیم بر خلاف فاشیسم هیتلری و تاجریسم راه حل اقتصادی برای برون رفت از بحران همه جانبه طبقه خود ندارد. هیتلر توانست اقتصاد درهم کوبیده شده آلمان

ترامپیسیم چگونه قابل توضیح است؟ سیاستهای ترامپ همه نرمهای متعارف جهان سرمایه داری را درهم شکسته است و بخش زیادی از مواضع و سیاستهای ترامپ، بویژه سیاستهای اقتصادی او، آشکارا با منافع طبقه سرمایه دار حتی در خود آمریکا تناقض دارد. با این همه دولت ترامپ بر پیشبرد و تحقق این سیاست ها تاکید دارد. چرا؟ علل و زمینه های عروج و قدرت گیری ترامپ، چیست؟ آیا جهان با یک رئیس جمهور بی منطق و دیوانه روبروست؟ آیا ترامپ تنها یک زانده تصادفی جهان سرمایه داری است؟ به نظر من چنین نیست. ترامپیسیم از بحران و تناقضات و بن بستهای سرمایه داری قرن ۲۱ سر برآورده است. اگر بی منطقی و دیوانگی ای هست متعلق به نظامی است که دیگر نمیتواند با سیاستهای همیشگی و متعارف اش به بقای خود ادامه بدهد و میرود که دنیا را با خود به نابودی بکشد.

پروژه ۲۰۲۵، قبائی به قامت ترامپ

اولین نکته اینست که سیاستهای ترامپ در این دوره فی البداهه و ابتدا بساکن نیست. در آوریل سال ۲۰۲۳ طرح جامعی بعنوان پروژه ۲۰۲۵ از جانب راست ترین نظریه پردازان بنیاد هریتیج، که یک اندیشکده محافظه کار است، منتشر شد. این طرح ۹۰۰ صفحه ای با چشم انداز پیروزی ترامپ در انتخابات ۲۴ و نقشه راه دولت آتی او نوشته شده بود. سیاستهای جاری دولت ترامپ نظیر اخراج گسترده مقامات و کارمندان دولت و جایگزین کردن آنها با "وفاداران" به رئیس جمهور، سلطه مطلق رئیس جمهور بر قوه مجریه و کنترل قوه قضائیه و مقتننه، انحلال وزارت آموزش و پرورش، قطع بودجه تحقیقات اقلیمی مربوط به گرمایش زمین، القا و تزریق ارزشهای مسیحی به دولت و جامعه، ممنوعیت سقط جنین، انکار هویت رنگین کمانیها، کاهش بودجه خدمات بهداشتی و درمانی (مدیکر و مدیکید)، جرم انگاری فروش و مصرف داروهای ضدبارداری، پیگیری "نژاد پرستان ضد سفید پوست"، اخراج مهاجران "غیر قانونی" به کمک ارتش و مستقر کردن آنها در اردوگاههای توقیفی، پروتکشنیسم اقتصادی، همه مبتنی بر همین پروژه است. ترامپ در عرصه جهانی این دست شستن از دموکراسی لیبرالی را با مقابله با اروپا و دیگر متحدان سنتی آمریکا، ترک پیمان پاریس و انکار گرمایش زمین، خروج از سازمان بهداشت جهانی و شورای حقوق بشر سازمان ملل، تحریم دیوان بین المللی کیفری (دادگاه لاهه)، ادعای سلطه بر گرینلند، الحاق کانادا بعنوان ایالت ۵۱ آمریکا، طرح اخراج فلسطینیان از غزه و تبدیل آن سرزمین به مجتمع تفریحی، اعلام تعرفه یا مالیات بر واردات از تقریباً همه کشورهای جهان و غیره و غیره تکمیل کرده است. ترامپ در کمپین انتخاباتی خود تحت فشار صاحب نظران و کارشناسان حتی محافظه کار که این پروژه را مغایر "حاکمیت قانون، تفکیک قوا، جدایی کلیسا از دولت، آزادی های مدنی از جمله حقوق مدنی زنان، رنگین پوستان و جامعه ال جی بی تی کیو" میدانستند گفت مدافع این طرح نیست اما بعد از انتخاب عملاً همه توصیه های آنرا در دستور کار کابینه خود گذاشت. یکی از طراحان اصلی این پروژه، راسل ووت (Russell Vout)، یک مسیحی دو آتش که خود را ناسیونال-مسیحی معرفی میکند، از مقامات اصلی کابینه قبلی و فعلی ترامپ و از مشاورین اصلی اوست.

بدین ترتیب واضح است خطی که ترامپ دنبال میکند یک جهتگیری فکر شده و کار شده است و نه یک دیوانگی فردی. در عین حال باید توجه داشت که پروژه ۲۰۲۵ را به قامت ترامپ دوخته اند. موفقیت غیر قابل انتظار ترامپ در دوره اول ریاست جمهوریش راست ترین جناح و نظریه پردازان هیات حاکمه آمریکا را به صرافت تدوین چنین پروژه ای انداخت. اما این نقشه مند شدن ترامپیسیم هنوز سؤال اصلی ما را پاسخ نمیدهد. ترامپیسیم به همراه پروژه سوپر راستش ناشی از چیست؟

منجلاب ترامپیسیم و ...

از صفحه ۲



مانند رعایائی که اربابشان بر سر زمین آمده، سرها را بزیر انداخته و نقش مهر پلاستیکی بر فرمانهای اجرائی او را ایفا میکنند.

اما ترامپیسیم نه تنها سیاستمداران سنتی، بلکه ساختار سنتی دولت را نیز کنار گذاشته است. ترامپ خود را کینگ مینامد و عکس تاج بر سر خود را منتشر میکند. سلطانی که با صدور فرمانهای

اجرائی اش در برابر دوربینها ادارات دولتی که امرشان به نحوی ارتقای زندگی مردم است از آموزش و پرورش تا خدمات درمانی و بیمه های اجتماعی را محدود و یا تعطیل میکند، از پیمانهای بین المللی خارج میشود، عرف و قانون را زیر پا میگذارد و بجای همه ارزشها و ادعاها تنها یک شعار را قرار میدهد "احیای عظمت آمریکا"! جنبش "ماگا" در واقع جنبشی است علیه همه ارزشها و سیاستهایی که بوئی از مسئولیت در قبال جامعه و توده مردم برده اند. "آمریکا" در شعار احیای عظمت آمریکا اسم رمز میلیاردرهای آن کشور است. اما آیا سیاستهای پروتکشنیستی به ضرر همین مولتی میلیاردها هم نیست؟

همه دولتها و صاحبان اقتصاد جهانی متفق القول اند تعرفه های ترامپ جهان را به سوی رکود اقتصادی سوق میدهد. در مقابل، ترامپ مدعی است تعرفه ها سرمایه گذاران را ناگزیر میکند در آمریکا سرمایه گذاری کنند اما این ادعای پوچی بیش نیست. عرصه سرمایه گذاری را فاکتورهای اقتصادی تعیین میکند و نه اراده دولتها. مایکروسافت و اپل و جنرال موتورز و فورد و صنایع الکترونیک و دهها عرصه تولیدی و خدماتی دیگر در کشورهای دیگر سرمایه گذاری میکنند چون بدنبال سود بیشتر هستند. اگر سرمایه هایی که به خارج آمریکا کوچ کرده اند را برگردانید سودآوریشان و در نتیجه بقایشان در بازار رقابت جهانی را بخاطر انداخته اید. این مسیر نه به عظمت آمریکا بلکه به ضعف بیشتر آمریکا ختم میشود. فی الحال بازار سهام آمریکا بعد از اعلام تعرفه ها تنها در ظرف دو روز ۶/۶ تریلیون دلار ارزش خود را از دست داده است.

ترامپ در پاسخ به انتقاد کنندگان میگوید این وضعیت موقت است و به زودی اقتصاد آمریکا شکوفا خواهد شد. اما در اینجا هم منظور از آمریکا مولتی میلیاردرها هستند؛ عده قلیلی که حاضرند دنیا را به آتش بکشند تا منافع خود را حفظ کنند. منظور ترامپ "از صبر کنید درست خواهد شد" اینست که حتی اگر جهان در آتش بحران و رکود بسوزد سرانجام مولتی میلیاردرهایی نظیر ایلان ماسک و کل هیراشی مالی آمریکا از این معرکه جان بدر خواهند برد و ثروتمند تر و پرور تر هم خواهند شد.

اما جنبه مهمتر پروتکشنیسم اقتصادی ترامپ کاربرد سیاسی آنست. بعید است ترامپ و طراحان پروژه ۲۰۲۵ تناقض طرح اقتصادیشان با کارکرد جهانی سرمایه را ندانند ولی کماکان بر پروتکشنیسم اقتصادی و تعرفه ها و غیره تاکید میکنند چون این امر برایشان کاربرد سیاسی معینی دارد. این نوعی "شوک و بهت" اقتصادی است. بوشیسم با هجوم نظامی به عراق و افغانستان می خواست جهان را مقهور قدر قدرتی آمریکا کند و ترامپ با هجوم به اقتصاد جهانی شده سرمایه داری می خواهد به همان هدف برسد. اما آن کلید به این قفل نمیکورد. مشکل ترامپیسیم اینست که صدام حسین را میشد نابود کرد اما گلوبالیزاسیون را نمیتوان. "شوک و بهت" ترامپ حتی بی فرجام تر و ناکام تر از بوشیسم از آب در خواهد آمد.

با این حال این سیاستهایی که هیچ منطق اقتصادی حتی برای طبقه سرمایه دار ندارد

بعد از جنگ اول را احیا کند و تاچر و ریگان مجربان فریدمنیسم یعنی نظریه ای بودند که به نیازهای سرمایه مالی در دوره پسا جنگ سرد پاسخ میداد. اما پروتکشنیسم اقتصادی ترامپ نه تنها پاسخی به ضروریات سرمایه داری قرن ۲۱ نیست بلکه تماما در تناقض با آن است. سرمایه داری عصر حاضر را نمیتوان به چارچوب بازار داخلی باز گرداند. گلوبالیزاسیون، برخلاف فریدمنیسم، یک نظریه یا دکترین اقتصادی نیست بلکه ضرورت کارکرد کاپیتالیسمی است که میدان فعالیتش کل دنیا است. حتی سرمایه داری جوان اروپا در قرن ۱۷ که پایه گذار دولت-ملتها بود بر مبنای تجارت جهانی و جهانگشائی که به کشف آمریکا و استرالیا و نیوزیلند منجر شد بقدرت رسید. کلنیالیسم، سلطه بر سرزمینها و منابع دیگر کشورها و صدور کالا و صدور سرمایه به اقصی نقاط جهان، مینا و همزاد رشد سرمایه داری در جهان غرب بوده است. این روند امروز به تقسیم کار جهانی سرمایه منجر شده است. سرمایه های مالی چندین ملتی سودآوری نجومی خود را بر اساس کارگر ارزان چین و بنگلادش و هندوستان، بعنوان تولید کنندگان وسائل مصرفی کارگران و توده مردم در همه کشورها، رشد نجومی بارآوری نیروی کار در اثر کامپیوتریزه شدن تولید و انقلاب صنعتی چهارم در کل دنیا، و سلطه نهادهای بین المللی نظیر بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بر کارکرد و مناسبت سرمایه ها در چهار گوشه جهان تامین میکنند. سرمایه داری قرن بیست و یکم مرز ندارد. و اگر با بحران و مزمن روبروست بخاطر گلوبالیزاسیون نیست بلکه بدلیل بحرانی است که تنها با فراتر رفتن از گلوبالیزاسیون و تقسیم کار جهانی سرمایه میتواند حل و فصل شود. و این فراتر رفتن تنها با گذار از مناسبات سرمایه داری ممکن است.

در چنین شرایطی توسل ترامپیسیم به مرزها و شعار بازگرداندن عظمت آمریکا راه حل اقتصادی نیست بلکه تلاشی برای متناسب کردن روبنای سیاسی آمریکا با قدرت اقتصادی مولتی میلیاردرهای انگشت شمار آمریکا است.

"شوک و بهت" به شیوه ترامپ

سربلند کرد ترامپیسیم و بقدرت رسیدن ترامپ از نظر ساختار دولتی جایگزین کردن سیاستمداران طبقه سرمایه دار با خود سرمایه داران است. منطق ناگفته اینست: اگر ۳ میلیارد در آمریکا باندازه ۵۰ درصد جامعه ثروت دارند چرا خود نماینده سیاسی جامعه نشوند؟ خودشان و یا سیاستمداران همفکر وهمجنسشان که نه انتخاب، بلکه خریده شده اند؟ ده میلیارد اول آمریکا که از کمپین انتخاباتی ترامپ حمایت مالی کردند با انتخاب او ۶۴ میلیارد دلار سود بردند. تنها ایلان ماسک که ۲۹۰ میلیون دلار به کمپین انتخاباتی ترامپ کمک کرده بود بعد از انتخاب او ۳۰ میلیارد دلار به ثروتش افزوده شد. معامله بدی نیست! و البته این معامله شیرین به اینجا ختم نمیشود. این یک سرمایه گذاری دراز مدت روی دولتی است که خریده شده تا برای مدت لااقل چهارسال مستقیما در خدمت یک درصدیها عمل کند.

کل این تجارت انتخاباتی در برابر چشم مردم ناراضی از وضع موجود اجرا میشود. مولتی میلیاردرهایی که خود زمام امور را در دست گرفته اند به سیاستمداران سنتی شان میتازند که شما مسئول مشکلات ما هستید و به همین دلیل رای توده مردمی که از عدم تامین اقتصادی و شرایط سخت معیشتی در رنجند و از سیاستمداران احزاب سنتی از چپ و راست نومید شده اند را به خود جلب میکنند و ... دولت خود را روی کار می آورند!

دولت ترامپ دولت احزاب و سیاستمداران سنتی و متعارف آمریکا نیست، دولت خود سرمایه داران میلیاردی است. اکنون دموکراتها به واکاوی اشتباهاتشان مشغولند و محافظه کاران که اکثریت کرسی های سنا و مجلس نمایندگان را در دست دارند،



Anti-Trump protests hit cities worldwide - in pictures

ترامپیستی هر روز جمعیت بیشتر را به خیابانها می آورد. تلاشهای ایلان ماسک که با صرف هزینه ۲۰ میلیون دلاری میخواست زمینه انتخاب یک طرفدار ترامپ بعنوان قاضی دادگاه عالی ایالت ویسکانسین را فراهم کند با شکست روبرو شد. و به احتمال زیاد جمهوریخواهان طرفدار ترامپ در انتخابات میان دوره ای اکثریت در هر دو مجلس آمریکا را از دست خواهند داد، اما اینها کافی نیست. عقب نشینی هیات حاکمه قویترین قدرت اقتصادی و نظامی جهان از دموکراسی لیبرالی را نمیتوان با افق دموکراسی پاسخ گفت. بازگشت به سیاستمداران سنتی راه حلی نیست؛ اگر میبود پدیده ای مثل ترامپیسم اصلا محلی برای رشد پیدا نمیکرد. آمریکا و جهان سرمایه داری پسا ترامپ با تناقضاتی بسیار پایه ای تر و گسترده تر از همیشه مواجه خواهد بود. تناقضاتی که ناتوانی نظم یک درصدهای حاکم در برآورد ساختن حتی ابتدائی ترین حقوق نود و نه درصد جامعه را بیش از پیش آشکار خواهد کرد.

جهان متمدن باید دست به ریشه ببرد و ریشه، نفس نظام سرمایه داری است که برای بقای خود به دماغوگ خودکامه ای چون ترامپ نیاز دارد. پاسخ رجعت سرمایه به هیرارشی و قدرت مطلقه افرادی امثال ترامپ و پوتین تنها نفی حکومت مافوق مردم میتواند باشد. پاسخ این وضعیت تنها دخالت همه شهروندان در اداره امور جامعه و سازماندهی تولید در جهت تامین رفاه همه، و نه سودآوری یک اقلیت مفتخور است.

باید در برابر عقب نشینی از دموکراسی لیبرالی فراتر رفتن به دموکراسی مستقیم مردم را قرار داد و در برابر نفی آزادیهای سیاسی و مدنی، لغو جبر اقتصادی و آزادی و رهایی واقعی همه انسانها از بردگی مزدی را. در مقابل منحصر کردن اختیارات به یک فرد باید پرچم بازگرداندن اختیار به انسان را برافراشت و در برابر جامعه مدنی پرچم جامعه انسانی را. قدرت تولید بشری به یمن انقلاب صنعتی چهارم و امکان ارتباطات مستقیم مردم دنیا به مدد اینترنت بیش از هر زمان دیگر زمینه های عینی تحقق سوسیالیسم را فراهم آورده است. منجلا ب ترامپیستی را باید و میتوان با تعرض سوسیالیستی پاسخ گفت.

۱۸ فروردین ۱۴۰۴، ۶ آوریل ۲۰۲۵

منجلا ب ترامپیسم و ...

از صفحه ۳

جزئی از قدر قدرتی و قلدری سرمایه دارانی است که میخواهند قدرت اقتصادی خود را بعنوان اهرمی سیاسی بکار بگیرند. آمریکا قوی ترین اقتصاد جهان را دارد و ترامپ میخواهد این اهرم را در خدمت یک هیرارشی مولتی میلیاردی برای دیکته کردن سیاستهایش به دنیا و به جامعه خود قرار بدهد. کینگ ترامپ نه منطبق بر ضروریات اقتصادی سرمایه داری جهانی و در کنار متحدانش، بلکه در تقابل و علیرغم آنها میخواهد حرفش را به کرسی بنشان و این یعنی تثبیت قلدری و قدر قدرتی آمریکا که بوشیسم بدنبال آن بود و بجائی نرسید.

اینجا نیز تاکتیک به هم ریختن نظم اقتصادی بورژوا لیبرالی در خدمت استراتژی قدرتمند تر شدن مالتی میلیاردرها قرار میگیرد. به این امید که حتی اگر اقتصاد جهان نابود شود معدود میلیاردرهایی که از خاکستر رکود جهانی سر بلند خواهند کرد حاکمان جهان فردا خواهند بود. قرارست پروتکشنیسم ترامپ نه شکوفایی سرمایه داری آمریکا، بلکه سلطه بلامنزاع یک درصدهای مالتی میلیاردی بر کل جهان را تامین کند. این چشم انداز ترامپ- پروژه ۲۰۲۵ از آینده است. مانند قدیسنی که منتظرند تا روز محشر فرابردش تا خودشان رستگار شوند ترامپیسم جهانی را به آتش میکشد تا مولتی میلیاردرهای دنیا میلیاردرتر شوند.

این کاپیتالیسم کاملاً منحنط و به بن بست رسیده ایست که حتی ابتدائی ترین حقوق مردم را نمیتواند تحمل کند و سرش را به در و دیوار میزند تا راهی بجلو باز کند. اما جهان متمدن در برابر این آرماگدون، این آخرالزمان سرمایه، چشم انداز دیگری قرار میدهد.

افق سوسیالیسم

ترامپیسم دفاع از حتی بدیهی ترین و ابتدائی ترین خواستها و حقوق مردم را به وظایف چپ تبدیل میکند. وقتی ترامپ و حواریونش جو بایدن و کامالا هریس را کمونیست خطاب میکنند دشمنی خود حتی با میانه روترین احزاب و گرایشات لیبرالی را بیان میکنند. بورژوازی هر چه بیشتر به راست میچرخد مفهوم اجتماعی و میدان فعالیت چپ را وسیعتر میکند. از نظر کینگ ترامپ دفاع از حتی قانون اساسی آمریکا چپ روی است. دفاع از آزادی فرصهای ضد بارداری، دفاع از تفکیک قوا، دفاع از آزادی رسانه ها، دفاع از حاکمیت جمعی به هر شکلی، چپ روی است. کمونیسم امروز باید نماینده این چپ روی باشد. جهان متمدن باید در دفاع از آزادی و انسانیت و مدنیت بمیدان بیاید و این حرکت فی الحال آغاز شده. روز گذشته مردم آمریکا در صدها شهر بیش از ۱۲۰۰ تظاهرات و تجمع خیابانی علیه دولت ترامپ و سیاستهایش برپا کردند و این تظاهراتها رو به گسترش است. سخنرانی های برنی سندرز و الکساندریا اوکاسیو کورتز در شهرهای مختلف آمریکا علیه هیرارشی

به حزب
کمونیست کارگری
پیوندید!



تلگرام: @wpi_tamas

۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

یوتیوب

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

افای سی ۲/۳

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

KANAL JADID
کانال جدید



گام های پر قدرت جنبش زن زندگی آزادی

کارگر کارگاهی - حمید دائمی

است، بلکه به زبان بی زبانی از تغییر در سیاست خارجی و گشودن درهای رابطه اقتصادی به روی سرمایه جهانی - به دور از چین و روسیه و امارشان - است تا مگر به کمک آنان بتوانند چند صبحی دیگر نفس بکشند. این بخودی خود نشان از تنگناهای کل سیستم دارد که به واسطه حضور هر روزه و گسترده جنبش

های مطالباتی راه تنفس و رگ حیات شان را می فشارد. توسل به قدرت ها و دول سرمایه جهانی، برای ابقاء بر سر قدرت و بقول آیت الله میلارد آملی، از ترس به دریا ریختن شان توسط مردم است.

یکی دیگر از مضامین این اظهارات، اشاره به قطبی شدن جامعه کارگری و مزدبگیران و جامعه علی العموم؛ بر سر مسئله معیشت، آنهم نه با معیارهای دزدان حاکم؛ از نوع "معیشت و منزلت انسانی است". این موضوع تعیین کننده روندی است که جامعه، لاقابل با شروع انقلاب مهسا در دستور گذاشته است و آن خلاصی و پایان دادن به همه تبعض و فقر و فلاکت و دزدی و اختلاص و فساد است که ریشه در وجود کربیه رژیم کثافات اسلامی دارد. این حضرات کاملاً دریافته اند که با جامعه ای اینچنینی و با جنبش و پیشروان قدرتمندش دیگر نمی توان با دروغ و دوز و کلک مواجه شد.

از طرفی کمترین روزه ای برای اصلاح امور و پاسخ به این همه مطالبه انباشته جامعه ندارند. در نتیجه تنها به آخرین ابزارشان که سرکوب و بگیر و ببند است سرکوب - لرزان که نه؛ در حال فروریختن و مضمحل شدن است. یکی از اهداف اظهارات این حضرات، جلب رضایت و همراهی بخش باقی مانده نیروی سرکوب است که هر روز در حال تحلیل رفتن و رویگردانی از نظام هستند. جالب اینکه آنچنان "آش شور شد" و جامعه بحدی در بحث بی اعتبار کردن حجاب پیش رفته و قدرتمند شده که مجبور به جمع کردن جور و پلاس فاطمی کوماندوهای حامی "حجاب" از جلوی طویله مجلس دزدان شدند.

یکی از نکات مهم توفان پیش رو و قریب الوقوع، سمت و سو و حد و مرز آن است. مهم ترین خصلت همه این عرضه اندام های توده ای، سر خط و در مسیر انقلاب زن زندگی آزادی بودن آنهاست. با گذشت بیش از دو سال از آغاز جنبش انقلابی مهسا، علی رغم تبلیغات و پروپاگاندا حاکمیت و جریان راست و آرزوی اینکه "انشالله گربه ست" و شعار و امید به اصلاح امور را می دهند؛ توده ها هر بار محکم تر از همیشه، حتی یک قدم از خواست سرنگونی و بثمر رساندن انقلاب عقب ننشسته و در هر فرصتی با پرچم مطالبات و آرمان های این انقلاب انسانی به صحنه وارد می شوند. یکی از اتفاقات جالب و حیرت انگیز اقدام کشاورزان اصفهانی برای مقابله با سیاست های دولتی در توزیع حقه و رانت خواری و دزدی های مسئولین منطقه بود که جریان آب و تأسیسات آن را تغییر داده و به این وسیله اعتراض و ضرب شصت خود را نشان دادند.

این به معنی آنست که جامعه به اندازه ای بر سر خواست های خود قطبی شده است که دشمنان انقلاب هم آن را پذیرفته و به آن معترفند. انقلاب مزدبگیران و زحمتکشان از کف خیابان عبور خواهد کرد و خواست "رفاه و معیشت و منزلت انسانی، حق مسلم

استقبال از سال جدید، با وجود جیب های خالی و سفره های بی رونق و زندگی بدون عیش و لذت؛ برای ما کارگران صورت دیگری داشت. مزدبگیران در این ایام تنها تغییری که شاهدش بودند، عمیق تر شدن فاصله طبقاتی و محرومیت و فقر روز افزون به واسطه سقوط سهمگین ارزش ریال و صعود فضایی قیمت دلار و به تبع آن قیمت کالاها اساسی بود.

با این همه جامعه خسته و متنفر از این همه تباهی و ظلم، یکپارچه و با شور و هیجان، آنچه که در توان داشت برای گذشتن از سد تحجر و دیکتاتوری حاکم به کار گرفت و در روزهای مهمی همچون ۸ مارس، چهارشنبه سوری و مراسم استقبال از نوروز، با برپایی جشن و سرور و پایکوبی، انتقام خود را از نکت حاکم گرفت. مردم در این روزها با دستان خالی و تنها با شور و شوق کنار هم بودن، بدون نیاز به سور و سات، نفرت خویش را از کل حاکمیت به نمایش گذاشتند.

مردم در آستانه سال نو، یکپارچه و متحدانه - بدون قرار قبلی - همه همت و هنرشان را برای زیر پا گذاشتن تمامی مرزها و مقدسات رژیم کربیه ارتجاعی به کار بستند و چنان وحشتی در کاخ حکام ذلیل و مزدوران ریز و درشتش افکندند که پژواک این وحشت و کابوس، هنوز به چشم می خورد.

اظهار نظریات زیادی را در مورد بهم ریختگی، ناترازی و بحران ها و سایر عبارات که اسم ابداعی حاکمیت و جریان راست برای سقوط و فروپاشی تمام عیار اقتصادی و البته سیاسی و اجتماعی است، شاهد هستیم. اما صراحت لهجه این سیاستمداران و نزدیکان حاکمیت و مضمون نظرات این کارشناسان از آنچه که با استقبال نوروزی کلید خورد؛ یعنی شورش قریب الوقوع حکایت می کند. همه منتقدان به سیاست های حاکمیت نه بخاطر دردها و مشکلات مردم و نه حتی برای تغییر اوضاع یکی از جناح ها؛ بلکه از اینروست که جریان و سرعت سقوط از رگ گردن به نظام و تمامی وابستگانش نزدیکتر شده است. نمود عینی این توفان از تعرضات مستقیم جامعه و شکستن و ازسر گذاردن سدها و موانع قانونی و شرعی حاکمیت، از جمله در بی اعتبار کردن حجاب، رسمیت بخشیدن به مراسم ۸ مارس، جشن و شادی همگانی و زیر پا گذاشتن قواعد و مراسم مذهبی و ساختارهای آپارتاید جنسی حاکم و مهم تر از همه فلج کردن نیروی های اطلاعاتی و امنیتی و سرکوب در روزهای منتهی به آغاز سال نو بود.

در این میان اظهارات محمد رئیسی، نماینده قم در مجلس دزدان اسلامی روز ۹ فروردین در مصاحبه ای تلویزیونی شنیدنی است که صراحتاً عنوان کرد: اگر دولت تدبیر نکنه و سیاست اقتصادیش رو اصلاح نکنه، ممکنه کف خیابون ها شلوغ بشه، امیدوارم که این اتفاق نیافته...". حکمت آنچه که حضرات را وادار به موضع گیری و اظهار فضل می کند، توفان خشم توده هاست که پیش درآمدش را تقریباً در تمام نقاط ایران، توده ها در ۸ مارس، چهارشنبه سوری و جشن استقبال نوروز به نمایش گذاشتند.

البته ایشان توصیه می کنند که این راه - یعنی "خیابان" - را امتحان نکنید، چرا که هزینه آن به پای خود مردم نوشته می شود. انگار که تاکنون حاکمیت از جیب و منافع خودش هزینه ریخت و پاش و دزدی ها را داده است.

آنچه که در مضمون گفته ها مشترک است، اعتراف به لاعلاجی سیستم فاسد و دزدسالار حاکم است. اشاره به "تدبیر" و "اصلاح"، در واقع آرزویی است که ناممکنی آن را خودشان بیشتر از بقیه مطلع اند. منظورشان از اصلاح، نه اصلاحات اقتصادی و اجتماعی و آزادی های مدنی که یکی از خواست های دیرینه و اصلی جامعه بوده



اعتراضات کشاورزان و بحران آب - شهلا دانشفر

دور جدید اعتراضات کشاورزان اصفهان از ۳ فروردین آغاز شد و همچنان ادامه دارد. اعتراض آنان به مشکلات معیشتی و کاری و مافیای آب است. اعتراض آنان به بحران آب به خاطر سیاست‌های تخریبی زیست‌محیطی حکومت است. اینها همه موضوع اعتراضات همه مردم و همه کشاورزان است.

۱۲ فروردین جمعیت بزرگی از کشاورزان شرق اصفهان در شاهتور به خیابان آمدند و با فریاد "آب زاینده‌رود حق مسلم ماست" راهپیمایی کردند و خواستار پیوند همه مردم به صف اعتراضشان شدند. حمله وحشیانه مزدوران یگان ویژه به تجمع یازدهم فروردین کشاورزان در هرنه که منجر به زخمی شدن بیش از ۵۰ نفر و بستری شدن تعدادی در بیمارستان شده، به اعتراضات کشاورزان شدت داده است. به دنبال اعتراضات کشاورزان، حکومت وعده بازکردن مسیر آب به زاینده‌رود در هشتم فروردین و آبیاری مزارع آنان را داد. ولی عملی نشد. کشاورزان شغل و معیشتشان در حال نابودی است و بر پیگیری مطالباتشان تأکید دارند.

۱۰ فروردین کشاورزان اصفهان در مناطق وسیع‌تری در شرق و غرب اصفهان، از ورزنه تا رودشت و اطرافش، همراه با تراکتورهایشان به خیابان‌ها آمدند و فریاد اعتراض سر دادند. دولت به بهانه تأمین آب شرب اصفهان و یزد از راهسازی آب خودداری می‌کند. کشاورزان خواستار فوری حلقه و بازگرداندن آب زاینده‌رود هستند. مشکلات اقتصادی و سونامی گرانی فشار معیشتی را بر کشاورزان و کل جامعه شدت داده است. زاینده‌رود برای مردم اصفهان شریان حیاتی محسوب

می‌شود. کشاورزان اعلام کرده‌اند تا جواب نگیرند، از پای نخواهند نشست. کشاورزان اصفهان خصوصاً کشاورزان در ورزنه، از چندین سال قبل سلسله اعتراضاتی به حلقه و مافیای آب، داشته‌اند. اعتراضات آنان در ۱۳۹۶ شکلی گسترده‌تر و به صورت تظاهرات صورت گرفت. ۱۷ آبان ۱۴۰۰ نقطه اوج اعتراضات کشاورزان اصفهان با همراهی مردم بود و شهر به حرکت در آمد. تحصن تا ۳ آذر در بستر خشک زاینده‌رود ادامه یافت. این تحصن با سرکوب شدیدی روبرو شد. درگیری کشاورزان و مردم در چهارم و پنجم فروردین ادامه یافت. سرکوبگران حکومت وحشیانه با گاز اشک‌آور و با گلوله‌های ساچمه‌ای به معترضان حمله کردند و تعدادی مجروح شدند.

اعتراضات کشاورزان کانون داغی از اعتراض در اصفهان است و همراهی مردم را با خود دارد. امروز در فضای انقلابی جامعه سر بلند کردن دوباره اعتراضات آنان موجب وحشت حکومت شده است. اعتراضات کشاورزان شایسته بیشترین حمایت‌ها است.

(۱۳ فروردین ۱۴۰۴، مندرج در ژورنال شماره ۱۰۰۳)

اعتراضات گسترده کشاورزان اصفهان با همراهی مردم

اعتراضات کشاورزان در اصفهان گسترده تر شده و دامنه اش به شهر کشیده شده است. امروز پانزدهم فروردین ماه بنا بر قراری از قبل اعلام شده کشاورزان در خوراسگان اصفهان در صفی بزرگ تجمع و راهپیمایی داشتند و مردم بسیاری به صف آنها پیوستند. روز گذشته ۱۴ فروردین نیز کشاورزان برسیان در شرق اصفهان دست به راهپیمایی زدند و این اعتراضات هر روزه شده است. کشاورزان در کلیشاد غرب اصفهان نیز در همین روز تجمع داشتند و فضای گرمی از همبستگی حاکم بود.

کشاورزان در اعتراضاتشان شعار میدادند "کشاورز می میرد ذلت نمی پذیرد"، "حلقه را می گیریم حتی اگر بمیریم"، "ای وای از این بی‌آبی! مسئول را ببند به گاری!"، "آب زاینده رود حق مسلم ماست"، "این همه بی‌عدالتی، هرگز ندیده ملتی!"، و "حلقه حق مسلم ماست".

کشاورزان و مردم می‌گویند سیاستهای مخرب جمهوری اسلامی عامل اصلی خشک شدن زاینده رود است. و به کار و زندگی و سلامتی و فضای زیستی شهر آسیب فراوان رسانده است. کشاورزان به وضع بد معیشتی و نابودی کشت و زندگی شان و بی‌آبی و سیاستهای مافیای آب و محرومیت از حلقه اعتراض دارند. همانطور که قبلاً اشاره کردیم کشاورزان برای شانزدهم فروردین ماه مردم شهر را به تجمع در محل پل خواجو فراخوانده اند.

بازاریان اصفهان نیز با اعلام همراهی با اعتراض کشاورزان نیز اعلام کرده اند که در حرکت اعتراضی شانزدهم فروردین ما شرکت خواهند کرد. بدین ترتیب اصفهان به استقبال یک حرکت بزرگ اعتراضی میرود.

کشاورزان اعلام کرده اند که بازگشایی محدود و موقت آب جواب نیست. وعده و وعید قبول نمیکنند و متحد و یکپارچه مقابل تفرقه افکنی ها می ایستند و باید آب به

زاینده رود باز گردد.

حزب کمونیست کارگری از کشاورزان و مردم اصفهان پشتیبانی کرده و همه مردم را به شرکت وسیع در تجمع اعتراضی فردا در محل پل خواجو و دیگر تجمعات فرامیخواند. اعتراض کشاورزان بر سر معیشت و رفاه و علیه بی‌آبی و مافیای آب اعتراض کشاورزان در همه استانهاست. حزب بر حمایت وسیع کشاورزان در استانهای مختلف از اعتراضات اصفهان تأکید دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران-۱۵ فروردین ۱۴۰۳، ۴ آپریل ۲۰۲۵

گام‌های پر قدرت ...

از صفحه ۵

همه ماست" و آزادی‌های بی‌قید و شرط و برابری و لغو هر گونه تبعیض بر پرچم انقلاب ما نقش بسته است.

عوامل رژیم، بویژه آنها که خطر را بیشتر از بقیه احساس کرده اند، با عجز و زبونی این پیام کارگران را لابلای گفته‌های شان صحنه می‌گذارند، "بدون ما کار شما تمام است" و سیگنال اتمام کار ارسال می‌کنند. اکنون با قدرتی که جامعه به نمایش گذاشته، نوبت آن رسیده است تا با نزدیکی بیشتر تشکل‌ها و شوراهای انقلاب که با شروع انقلاب زن زندگی آزادی متعدد و گسترده تر شده اند، را تدارک ببینیم. و با اتحاد و هماهنگی بیشتر برای سازمان دادن اعتراضات و اعتصابات سراسری دست به کار شویم. تا کار رژیمی را یکسره کنیم. علائم و نشانه‌های درون و بیرون حاکی از نفس‌های آخر حاکمیت دزدان جنایتکار است و تحرکات اخیر جامعه نشان دهنده قدرت و گستردگی نیروی ماست. به پیش برای سرنگونی رژیم جنایتکاران و دزدان سرمایه اسلامی و به ثمر رساندن انقلاب انسانی. زن زندگی آزادی.

معیشت، منزلت انسانی، حق مسلم ماست. زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی

واکنش حکومت به فراخوان کشاورزان معترض اصفهان به مردم - مهران محبی



رسانای داشتند، چگونه نه تنها حکومت از کمک رسانای سرباز می زدند، بلکه مزدوران سپاه محموله های کمک های مردمی را سرقت می کردند و علاوه بر آن امداد رسانیان داوطلب را هم بازداشت می کردند. مردم به خوبی می دانند که تنها حامیان و دوستدارانشان خودشان هستند و نباید اجازه دهند که حکومت با تحریک احساسات مخرب، میانشان تفرقه بیندازد.

کشاورزان معترض اصفهانی آب شرب را از هم نوعانشان در یزد دریغ نکرده اند، بلکه آبی که از مردم توسط حکومت دزدیده شده و برای مصارف صنایع "آب بر" فلزی و نظامی که تأمین کننده ملزومات برای اهداف ماجراجویانه منطقه ای و منافع مالی مافیها استفاده می شود را قطع کرده اند. مردم اصفهان به مافیای آب معترض هستند و مردم یزد نیز این را به خوبی می دانند و باید نسبت به آن هوشیار باشیم. باید به سران رژیم بگویند شما که در شرایط کمبود شدید آب و برق و گاز حاضر نیستید از فروش و قاچاق سازمان یافته این نیازهای اساسی مردم به کشورهای همجوار دست بکشید و همچنین مراکز پر مصرف غنی سازی هسته ای را تعطیل کنید، آب را بر روی مردم می بندید. اما بدانید که نمی توانید در این شرایط که زیر فشار اعتراض کشاورزان و مردم اصفهان قرار گرفته اید، ادای دلسوزی برای مردم یزد را در بیاورید. مردم یزد لازم است تا برای خنثی سازی ترفندهای پلید حکومت و قطع نشدن آب شربشان ضمن حمایت از اعتراضات کشاورزان و مردم اصفهان، مقامات محلی و سران حکومتی را زیر فشار تأمین آب شرب خود از طریق قطع آب برای صنایع فلزی و نظامی پر مصرف آب در منطقه بگذارند.

گذشته از این نکات، لازم است توجه ویژه ای به زمینه ها و شرایط سیاسی و اجتماعی نوینی که از سرگیری تجمع کشاورزان در سطحی عالتر از نظر شکل و طرح مطالبه را میسر کرده است، شود. قبل از هر چیز کشاورزان خواهان حق آب زاینده رود سوابق ارزنده ای در امر مبارزه و سازماندهی اعتراضی متکی بر مجمع عمومی دارند و از سوی مردم اصفهان نیز همواره مورد حمایت قرار گرفته اند. تا حدی که ضمن همراهی و حضور در تجمعات شان در دوره های گذشته، در حد توان امکانات رفاهی هم برایشان فراهم کرده اند. بنابراین امروز مهمترین عاملی که به کشاورزان معترض امکان می دهد تا با این جسارت بار دیگر و با قدرت بیشتر به میدان بیایند و چنین فراخوانی به عموم مردم برای همراهی و حمایت بدهند، شرایط سیاسی جدید و تغییر توازن قوا به نفع هر یک از جنبش های اعتراضی و جنبش انقلابی به طور کلی است. کشاورزان با درایت و شناخت درست از این موقعیت و اطمینان از اینکه پشتشان از طرف مردم خالی نخواهد ماند، فراخوان به موقع و به جای خود را عملی کردند. کاملاً هم طبیعی است که چنین درکی داشته باشند و باور داشته باشند که فراخوانشان پاسخ مثبت خواهد گرفت.

این کشاورزان هم مانند همه مردم تحت ستم و متفرد از جمهوری اسلامی دوره

کشاورزان اصفهان از روز ۱۴ فروردین و روز بلافاصله بعد از تعطیلات نوروزی سال جدید در اعتراض به قطعی آب زاینده رود و حق آبه های کشاورزان اولین تجمع خود را در شهر "زیار" در شرق اصفهان شروع کردند و با تجمع و راهپیمایی کشاورزان "خوراسگان" در روز جمعه ۱۵ فروردین با جمعیت انبوه تری در اصفهان تداوم یافت. این اعتراضات چنان وحشتی در وجود مقامات و مسؤلان محلی و طبعا مقامات و مسؤلان عالی تر حکومتی انداختند که ناچار به باز نمودن مسیر آب زاینده رود در بستر طبیعی آن که از اصفهان می گذرد، شدند.

لازم به ذکر است که روز نهم فروردین چند نقطه از خطوط انتقال آب به یزد و دو ایستگاه پمپاژ آن توسط کشاورزان معترض اصفهانی تخریب شده بودند. در این میان حکومتیان از جمله معاون توسعه مدیریت و منابع استانداری یزد، می کوشند کشاورزان و مردم در اصفهان را مقصر بحران آب که معضلی سراسری در تمام استانهاست قلمداد کنند. از جمله تحت عنوان بحران آب، مراکز دولتی و مدارس در یزد را در روزهای ۱۶ و ۱۷ فروردین تعطیل اعلام کردند. اما کشاورزان در اصفهان با هوشیاری تمام اعلام داشتند که این تفرقه افکنی ها راه به جایی نمی برد و بحران آب درد همه ما مردم است و کنار هم هستیم.

در همین راستا و فارق از ادعاهای کاذب دلسوزی کردن برای مردم یزد توسط مقامات استانی یزد و برخی رسانه های حکومتی، کشاورزان اصفهان در ادامه اعتراضاتشان با تجمع و راهپیمایی در روز ۱۵ فروردین و سر دادن شعار علیه مقامات حکومتی از جمله پزشکبان، موفق به جاری کردن آب به زاینده رود در حوزه اصفهان شدند. همزمان در اقدامی آگاهانه و پیشروانه به عموم مردم اصفهان فراخوان دادند تا روز شنبه شانزدهم به تجمع آنها برای احیای دائمی زاینده رود بپیوندند و خوشبختانه این فراخوان علی رغم تکذیبی های اتاق اصناف کشاورزی اصفهان مبنی بر انصراف کشاورزان از تجمع و هر تقلای تبلیغاتی حکومتی و نیز تهدیدات امنیتی برای جلوگیری از برگزاری تجمع، این حرکت اعتراضی در شانزدهم فروردین با استقبال گسترده مردم مواجه گردید و همین باعث شد تا داد و فغان حکومتیان و رسانه هایشان را بیشتر در آورد.

روزنامه های اصلاح طلب "اعتماد" و "شرق" از جمله رسانه هائی هستند که بلافاصله بعد از برگزاری تجمع کشاورزان معترض اصفهانی و مردم حامیشان، آنها را مورد حمله قرار داده و تلویحا با دشمنانی خطرناک تر از آمریکا و یزید مقایسه شان کردند. روزنامه اعتماد گفته است: "گیرم با مذاکره جلوی دشمن را گرفتیم، با دوست که دشمنی می کند چه کنیم؟". روزنامه شرق هم شیون براه انداخته و گفته: "در میانه تهدیدات آمریکا اتفاق دیگری در نوروز افتاد که بسیار دردناک و آن تخریب دوباره خط انتقال آب شرب مردم یزد توسط کشاورزان اصفهانی بود... گیرم به گوتش نامه نوشتیم تا بلکه جلوی شرارت و قصدی که برای آسیب زدن به کشورمان هست بگیریم، به چه کسی نامه بنویسیم که هم وطنمان آب خوردن را از هم وطنمان دریغ می کند؟".

به این ترتیب مقامات و رسانه های حکومتی وقتی که می بینند در برابر نیروی متحد مردم ایستادگی کنند، دست به تحریک احساسات ساختگی و کاذب منطقه ای برای شکستن قدرت مردم می زنند. اما مردم ایران دست جانبان فاسد حکومتی را ده ها سال است که خوانده اند و می دانند زندگی و رفاه و نبودن آب و برق و گاز و غیره مردم برای دزدان و مافیاهای حکومتی کمترین اهمیتی ندارد و گول عوامفریبی های آن ها را نمی خورند. مردم این جامعه فراموش نکرده اند که در زمان وقوع سیل ها و زلزله های مناطق مختلف در حالیکه مردم آسیب دیده نیاز حیاتی به کمک و امداد



از مبارزات حق طلبانه مردم ترکیه با تمام قوا حمایت کنیم!

تظاهرات و اعتراضات عظیم خیابانی که از ۱۹ مارس در ترکیه آغاز شد همچنان ادامه دارد. مردم در ابعاد میلیونی در استانبول، آنکارا، ازمیر، آنتالیا و دهها شهر دیگر در سراسر ترکیه به خیابانها آمده اند و دانشجویان و جوانان نیروی اصلی این اعتراضات را تشکیل میدهند و اتحادیه های کارگری نیز به این حرکت پیوسته اند.

جرقه این اعتراضات با بازداشت اکرم امام اغلو شهردار استانبول، از رهبری حزب جمهوریخواه خلق و رقیب اردوغان در انتخابات، زده شد ولی انگیزه و هدف مردم معترض بسیار فراتر از آزادی اکرم امام اغلو است. برکناری دولت اردوغان، سکولاریسم، جمع شدن بساط فساد و دزدی و پایان دادن به شرایط وخیم معیشتی و "حق حقوق عدالت" از جمله خواستها و شعارهای مردم است. پاسخ دولت به این اعتراضات گاز اشک آور و سرکوب و دستگیری بوده است. تا کنون بیش از ۲۰۰۰ نفر در این اعتراضات دستگیر شده اند.

در یک سطح عمومی و پایه ای این تقابلی است میان سکولاریسم، مدرنیسم، آزادیخواهی و مدنیت با ارتجاع اسلامی و عظمت طلبی پان ترکیستی و رویای احیای امپراتوری عثمانی که بوسیله دولت اردوغان نمایندگی میشود. سنت سکولاریسم و مدرنیسم از زمان کمال آتاتورک، یک سنت قوی در ترکیه معاصر است. اما دولت اردوغان در مقابل این سنت و سر برآورده از فضای شرق زدگی اسلامبستی است. از اینرو فضای سیاسی ترکیه در دهه های اخیر میدان تقابل مدرنیسم و سکولاریسم، "ترکیه اروپائی" و پیوستن به فرهنگ و تمدن غرب، با ترکیه شرق زده، اسلامی و خواهان رجعت به امپراتوری عثمانی بوده است.

این تقابل با بقدرت رسیدن اردوغان شکل مقابله مردم با حکومت، بخصوص در شهرهای بزرگ نظیر استانبول، را به خود گرفت. آنچه زمینه را برای عروج و قدرتگیری حزب عدالت و توسعه و اسلام نوع اردوغانی فراهم آورد عروج و قدرتگیری اسلام سیاسی در ایران و افغانستان بود. اکنون با افول جریانات اسلامی در منطقه و بویژه سربلند کردن جنبش زن زندگی آزادی در ایران، در ترکیه نیز سکولاریسم و مدرنیسم جان تازه ای میگیرد. بحران حکومتی جمهوری اسلامی و جمع شدن بساط نیروهای اسلامی تحت نفوذش در منطقه نهایتا جنبش اسلام سیاسی و کل نیروها و دولت های اسلامی در منطقه را با بحران روبرو خواهد کرد و آنچه در ترکیه میگذرد اولین نمونه چنین بحرانی است. امروز دو قطب سکولاریسم-مدرنیسم و اسلامبست-عثمانیسم در خیابانهای ترکیه رو در روی یکدیگر قرار گرفته اند.

دولت اردوغان نه تنها از نظر اقتصادی بلکه از نظر سیاسی و فرهنگی و کل سیستم ارزشی و استراتژی ای که نمایندگی میکند، به بن بست رسیده است و از این نقطه نظر وضعیتی شبیه جمهوری اسلامی دارد. تحولات ترکیه هنوز ابعاد یک جنبش انقلابی پیگیر با هدف در هم کوبیدن نظام موجود را به خود نگرفته است ولی طلایه های چنین جنبشی بروشنی قابل مشاهده است. این تحولات بیانگر ناراضی عمیق مردم از فقر و شکاف عمیق طبقاتی، دیکتاتوری حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان، و کلا سیستم ضد انسانی و ارتجاعی اسلام زده ای است که جامعه ترکیه را میخواید قرن ها عقب براند.

تنها نیروئی که میتواند این تحولات را به نفع توده مردم ترکیه به سرانجام برساند نیروی متشکل مردمی است که برای آزادی، عدالت اجتماعی و زندگی مدرن و انسانی بمیدان آمده اند. این نیرو شایسته بیشترین حمایتها از جانب سازمان های چپ و مترقی و مردم آزادیخواه در ایران و در سراسر جهان است. بویژه جا دارد

احزاب و سازمانهای انقلابی و نهادها و فعالین دست اندرکار انقلاب زن زندگی آزادی در ایران یکپارچه از اعتراضات و خواست های عادلانه مردم ترکیه حمایت کنند. جنبش زن زندگی آزادی خود یکی از عوامل الهام بخش مردم ترکیه در اعتراضات اخیر بوده است. و اکنون زمان آنست که با اعلام همبستگی و حمایت از مبارزه مردم ترکیه برای جمع کردن بساط اسلامبست نوع اردوغان و تحقق سکولاریسم و عدالت و آزادی و رفاه در کنار مردم ترکیه قرار بگیریم.

مردم ایران و ترکیه و کل مردم منطقه در مبارزه علیه جنبش اسلام سیاسی و دولت ها و شاخه های مختلف اسلام سیاسی همسرنوشت هستند و جنبش زن زندگی آزادی می تواند و باید در پشتیبانی از خیزش های مردمی نیز در صف مقدم این همراهی و همبستگی باشد.

حزب کمونیست کارگری از خواستها و مبارزات مردم ترکیه قاطعانه حمایت میکند و کلیه تشکلهای و فعالین کارگری، معلمان و بازنشستگان، زنان و دانشجویان و سایر نهادها و فعالین جنبشهای اعتراضی را به حمایت از مبارزات برحق مردم ترکیه فرامی خواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ فروردین ۱۴۰۴، ۱ آوریل ۲۰۲۵

واکنش های سران جمهوری اسلامی ... از صفحه ۷

های متفاوت مبارزات و اعتراضات علیه حکومت را با بقیه مردم تجربه کرده اند و حتما در وقوع انقلاب ۱۴۰۱ (انقلاب زن، زندگی آزادی) دخیل بوده و مبارزاتشان از آن زمان تا حالا در تقویت و پیشروی انقلاب تأثیر داشته و متقابلا از آن نیرو و اعتماد به نفس بیشتر کسب کرده اند. از طرف دیگر هم عموم مردم بر متن و بستر انقلاب آموخته اند که هر اعتراضی هر چند در ظاهر صنفی باشد، در این شرایط انقلابی که جامعه جلو آمده و حکومت را تا آستانه سرنگونی کشانده اند، در باطن و زیر پوسته ظاهری اش، انقلابی و سرنگونی طلبانه و پیوند خورده با مبارزات توده ای برای به زیر کشیدن حکومت است. به همین خاطر است که رسانه هائی مانند اعتماد و شرق و مقامات حکومتی تلویحا کشاورزان و مردم همراهی کننده آنها را دشمنانی خطرناک تر از آمریکا می دانند.

این دوره از مبارزات و اعتراضات را کشاورزان اصفهان که باعث جاری شدن آب به طور موقتی به بستر طبیعی زاینده رود شد با بهره گیری از تجارب گذشته خود و همچنین درک و تشخیص وضعیت درهم شکسته حکومت در برابر مردم متحد و خواهان سرنگونی رژیم، به سکویی برای "خیزی" بزرگتر تبدیل کردند و با فراخوان به عموم مردم اصفهان موضوع آب را به موضوعی عمومی برای تجدید پیمان بر سر ادامه مبارزات شان تبدیل کردند، باید مورد توجه عموم مردم سرنگونی طلب قرار بگیرد.

این تجربه ارزشمند باید وسیعا و مکررا در هر اعتراضی علیه حکومت و سران فاسد و جنایتکار آن تکرار شود و به عنوان روشی درست و عملی برای ایجاد هماهنگی های سراسری برای فرخوان به اعتصابات و اعتراضات سراسری در نظر گرفت.

جنگ درخواستی علیه انقلاب - یاشار سهندی

از شر حکومت استبدادی خلاص شود" و در این جامعه جنگ بسیار مطلوب است. در ایام نوروز که زن و مرد، پیر و جوان در زیر آوار فقر و فلاکت تا توانستند به رقص و پایکوبی برخاستند و اینگونه مبارزه خود علیه رژیم اسلامی سرمایه را عمق بخشیدند، این رسانه ها یکبار هم اشاره نکردند که حال جامعه خوب است بلکه در اوج این مبارزه که حتی جمهوری اسلامی را واداشت که "فاطمی کماندوهای" متحصن خود را با کتک جمع کرده و در اطراف تهران رها سازد، ایشان مدام رصد میکردند که ترامپ امروز چه حرف تازه ای داشت که بوی جنگ میداد و آنرا تا آنجا که امکان داشت بزرگ و بزرگتر کردند.

به روایت منتقدین کتاب زندگی، جنگ و دیگر هیچ، این کتاب "تشریحی زیبا و فوق العاده جذاب از اتفاقات یک سال از جنگ ویتنام است." اما در رسانه ها و تبلیغات بورژوازی که برای پیشبرد هر سیاست شان پیش از هر چیز به این نیاز دارند که جامعه مستاصل باشد و نداند چه میخواهد و چگونه میتواند به آن دست یابد، همه اتفاقات و مبارزات نزدیک به پنج دهه ما مردم ایران، تحریف یا حذف میگردد تا تصمیم "تصمیم سازان" که هیچی نیست جز آوار بدبختی بر سر توده مردم را عین منطق جلوه دهند. بخصوص مبارزات مردمی در سه سال اخیر که چیزی نبود جز تشریحی زیبا و فوق العاده جذاب از انعکاس همه زیبایی زندگی انسانی به وقتی که همه در پی رفاه و شادی همگانی هستند.

حقیقت اما این است که مردم در حال مبارزه اند. سال ۱۴۰۴ به سالی تعیین کننده تبدیل شده است نه بخاطر اینکه تبلیغات رسانه ای اینگونه جلوه میدهند که تنها راه ممکن ریزش بمب بر سر زندگی است، بلکه بدین خاطر که جنبش های قوی اجتماعی در ایران به شدت درگیر مبارزه هستند. جنبش هایی که در طی نزدیک به پنج دهه مبارزه سهمگین با یکی از وحشی ترین رژیمهای سرمایه آبدیده شده است. بر خلاف تبلیغات رسانه ای نه ترامپ و نه حتی نتانیاهو و نه هیچ دولتمرد غربی خواهان سقوط جمهوری اسلامی نیست. جنگی در نمی گیرد نه بخاطر اینکه یک قلم زن هپروتی باور دارد جمهوری اسلامی توان آنرا دارد که منطقه را به آتش بکشد، تنگه هرمز را ببندد و قیمت هر بشکه نفت را به هزار دلار برساند، و جنگ آخرالزمانی راه بیندازد! در حالیکه در ایران، یک تحول عظیم زیر و رو کننده که تمام دنیا را تحت تاثیر قرار میدهد ریشه دوانده است. اینجا حتی با یک "رژیم چنچ" نمی توانند سر و ته کار را جمع کنند. درخواست کنندگان جنگ میدانند در چنین شرایطی کمترین نقش ممکن را در تحولات خواهند داشت و به همراه تمایلات سیاسی شان از صحنه سیاست ایران محو خواهند شد. و به همراه آنان نظام مطلوب طبقاتی شان نیز در معرض خطر و محو شدن قرار میگیرد.

در ایران یک انقلاب اجتماعی به تمام معنا در حال رخ دادن است، که زنان توانستند خاکریز اول حکومت را تسخیر کنند. اینکه کارگران وقتی توانش را می یابند در کف خیابان آلترناتیو خود، اداره شورایی را فریاد میکنند. اینکه "نه به اعدام" به یک جنبش همگانی تبدیل شده است، اینکه مبارزه علیه مذهب به تمام منافذ جامعه نفوذ پیدا کرده است... و اینکه گفتمان کمونیسم کارگری، هویت انسانی، گفتمان جنبش های اجتماعی شده است

انقلاب زن زندگی آزادی و عمق بخشیدن بیشتر و بیشتر به مبارزات و مطالبات و خواسته های رادیکال برای بهبود زندگی تنها راه ممکن برای خلاصی از رژیم اسلامی سرمایه است. و وقتی ممکن است که توده مردم در کف خیابان مطالبات خود را محقق کنند. اینجاست که دیگر زندگی تلاشی است برای زندگی انسانی و این یعنی همه چیز در اختیار مردمی است که زندگی را می سازند. *

"زندگی، جنگ و دیگر هیچ" عنوان کتابی است از یک خبرنگار مشهور در قرن بیستم. این کتاب گزارشی از یکسال جنگ در ویتنام و مکزیک در ابتدای دهه ۷۰ قرن گذشته است. صرف نظر از محتوای کتاب، عنوان آن اما گویای حال کسانی در ایران است که حیات سیاسی خود را در جنگ جستجو میکنند. زندگی و زندگی مردمی که به زندگی معنی میبخشد در نزد ایشان هیچ است. برای ایشان تحولات سیاسی با بمب های سنگر شکنی ۱۴ تنی بیشتر معنی میدهد تا اعتراضات روزمره، تا همبستگی میان انسانهای دردمند برای رهایی.

"خبر اول" ایشان عبارت است از: "احتمال روز افزون جنگ میان جمهوری اسلامی و امریکا، افزایش نقل و انتقالات در جزیره دیگو گارسیا، بمب افکن رادار گریز B-2، اینکه فلان شخصیت هئیت حاکمه امریکا تاکید دارد که بمباران ایران تنها راه حل است، اینکه فلان کارشناس و پژوهشگر در حوزه امنیت و دفاع بین المللی تاکید دارد، ایندفعه ردخور ندارد ترامپ میزند!"

در عالم کامل بیطرفی مدیر یک رسانه در یادداشتی تاکید میکند: "ترامپ ۲۰۲۵ باهوش تر و مصمم تر از ترامپ ۲۰۱۷ است... تیم امنیتی مجرب تری اطرافش جمع شده اند." و این همه، این اطمینان خاطر را به ایشان میدهد که حمله جدی است. ظاهرا سخنش رو به خامنه ای است اما حرف اصلی اش با مردم است: که صبر کنید رئیس جمهور دلها با موشک و پهپاد و بمب افکن مخوف تر تیش همه چیز را میدهد. از دیدار دو فاشیست، نتانیاهو و ترامپ به وجد آمده اند و به مردم وعده میدهند حتما نتانیاهو ترامپ را قانع میکند که بزند! این یک جنگ رسانه ای، نه تنها علیه جمهوری اسلامی، بلکه مستقیماً علیه انقلاب زن زندگی آزادی است.

و یا یک استاد معترض دانشگاه که اخیراً به قول خودش "خطابه ای" به خامنه ای نوشته و از سوی حکومت تهدید شده است، مجدداً خامنه ای را خطاب قرار داده است که تو ارباب مردم نیستی و مصاحبه کرده است که تا از دهان او بشنوند که جنگ بهتر از انقلاب است و حمله ترامپ به جمهوری اسلامی میتواند منجر به سقوط این حکومت گردد.

این استاد بر خلاف انتظار خود تاکید دارد که فضای جنگی کنونی یک تبلیغات رسانه ای است. و در ادامه به درستی تاکید میکند: که قرار نیست مدام مردم در کف خیابان باشند، ۴۶ سال است در مقاطع مختلف اعتراضاتشان را بیان کردند.

براستی این مردم چگونه بگویند و تاکید کنند که خواستار سرنوشتی این حکومت هستند نه جنگ و ویرانی. اما هدف جنگ درخواستی نه پایان دادن به مسئله هسته ای جمهوری اسلامی بلکه پیش از هر چیزی هدف جنبش انقلابی است که در بطن جامعه ایران در غلیان است. انقلابی که رنگ زندگی و آزادی دارد و از هر سلاح اتمی ای برای بورژوازی ویرانگرتر است.

این رسانه ها درد و رنج مردم را منعکس هم میکنند، اما این درد را چنان به نمایش میگذارند تا به زعم خود به ببیننده استیصال و بن بست را القا کرده باشند. در سال ۱۴۰۱ که انقلاب زنانه زن زندگی آزادی شکل گرفت، در هر برنامه سیاسی و غیر سیاسی، در شرایطی که مردم خود را و قدرت با هم بودن خود را در کف خیابان یافته بودند مدام تاکید میکردند که "حال جامعه خوب نیست!"; این روزها که به روایت خود ایشان احتمال جنگ روزبروز بیشتر میشود به خامنه ای هشدار میدهد که جنگ از رگ گردن به ایشان نزدیکتر است. چون ترامپ وعده داده است: "اگر ایران به توافق جدید هسته ای تن ندهد، چیزی از آن باقی نخواهد ماند. ما آماده ایم آنرا را با بمبارانی نابود کنیم که پیش تر مانندش را ندیده اند." در این میان آنچه مهم نیست حال جامعه است. در نزد ایشان جامعه ای مستاصل و مردمی ناتوان است که "نمی تواند

کارگران در هفته ای که گذشت تنظیم کننده کارگر کمونیست



دوشنبه ۱۸ فروردین:

آسیب جدی ای به بخش کشاورزی، مراتع و منازل مسکونی در دشت تنگ ذهاب وارد شد.

- داود رضوی فعال کارگری و عضو سندیکای شرکت واحد در شانزدهم فروردین ماه پس از ۹۵۴ روز زندان برای نخستین بار به مرخصی آمد. خوشحالیم که داود رضوی فرصت یافته است که مدتی کنار خانواده باشد. اما او باید بدون قید و شرط آزاد شود.

جمعه ۱۵ فروردین:

- کشاورزان در خوراسگان اصفهان در صفی بزرگ تجمع و راهپیمایی داشتند و مردم بسیاری به صف آنها پیوستند.

- کارگران کارخانجات مخابراتی ایران در اعتراض به تعویق پرداخت پنج ماه مزد خود اعتراض دارند. این کارگران در اسفند گذشته تجمعات متعددی بر سر این موضوع داشتند.

پنجشنبه ۱۴ فروردین:

کشاورزان برسیان در شرق اصفهان دست به راهپیمایی زدند و این اعتراضات هر روزه شده است. کشاورزان در کلیشاد غرب اصفهان نیز در همین روز تجمع داشتند و فضای گرمی از همبستگی حاکم بود.

کشاورزان در اعتراضاتشان شعار میدادند "کشاورز می میرد ذلت نمی پذیرد"، "حقابه را می گیریم حتی اگر بمیریم"، "ای وای از این بی‌آبی! مسئول را ببند به گاری!"، "آب زاینده رود حق مسلم ماست"، "این همه بی‌عدالتی، هرگز ندیده ملتی!"، و "حقابه حق مسلم ماست".

چهارشنبه ۱۳ فروردین:

کارگران سیمان به وضعیت شغلی و معیشتی خود معترضند. به گفته آنها سالهاست با حقوق نابرابر در ارتفاع بالای تیرک‌های برق در سخت‌ترین شرایط و استرس‌زا به کار مشغول هستند و در این راه شمار زیادی از همکاران خود را بر اثر حوادث شغلی از دست داده‌اند. اما علیرغم پیگیری‌هایی که داشته‌اند وضع معیشتی و شغلی آنها هر روز بدتر شده است. این کارگران با خواست افزایش حقوقها و دائمی شدن قراردادهای پگیر حق و حقوقشان هستند.

سه شنبه ۱۲ فروردین:

جمعیت بزرگی از کشاورزان در شرق اصفهان در شاهرها با شعارهای اعتراضی خود از جمله شعار "آب زاینده رود حق مسلم ماست" دست به راهپیمایی زدند و از مردم خواستند که به صف اعتراضشان بپیوندند.

دوشنبه ۱۱ فروردین:

دور جدید اعتراضات کشاورزان در اصفهان که از ۳ فروردین آغاز شد، ادامه دارد. کشاورزان به خلف وعده‌ها و مافیای آب و ناپدید شدن ۲۸۰ میلیون مترمکعب آب اعتراض دارند.

بازنشستگان مخابرات در ادامه دوشنبه‌های اعتراضی در شهرهای بیجار، مریوان، بندرعباس، سنندج و تبریز در اعتراض به مشکلات معیشتی و برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند.

- کارگران رسمی نفت شرکت فلات قاره در لوان در اعتراض به تفکیک تبعیض‌آمیز مشاغل و شمول فوق‌العاده‌های مناطق عملیاتی در سقف حقوق تجمع کردند

یکشنبه ۱۷ فروردین:

کارگران ماشین‌سازی اراک در اعتراض به مشکلات جدی معیشتی و واریز نشدن معوقات مزدی خود تجمع کردند.

- نانوایان استان کرمانشاه در اعتراض به مشکلات معیشتی، افزایش هزینه‌ها و وضعیت بحرانی زندگی خود مقابل استانداری تجمع کردند.

- کارکنان مخابرات در شیراز برای دومین روز متوالی علیه اخراج‌ها تجمع کردند.

- کارگران مجتمع هفت تپه نسبت به کم‌آبی مزارع نیشکر هفت تپه و کاهش میزان آب تخصیص داده شده به این مزارع است.

- در اثر ریزش معدن سنگ آهن در روستای عبدالله آباد مهاباد، یک معدنکار به نام حسن فلاح جان باخت و یک نفر هم مصدوم شد. در ایران از "معدن مرگ" صحبت می‌شود که هر روزه از کارگران قربانی می‌گیرد. جانباختن این معدنکار عزیز را به خانواده اش و به کارگران این معدن تسلیت می‌گوییم.

- گزارشها از صف‌های طولیل مردم برای تهیه آب آشامیدنی در یزد خبر میدهند. با قطع آب خانگی، صف‌های آب در برابر تانکرها و ایستگاه‌های پخش آب بر پا شده است. کم‌آبی در استان یزد، همچون دیگر جاهای کشور، ناشی از سیاست‌های مخرب سودجویانه حکومت و مافیای حاکم بر آب است. در حالیکه آب موجود در استان یزد را صرف مراکز صنعتی و نظامی و چپاولگریهایشان میکنند، حکومت با تبلیغات کثیف و تفرقه افکنانه میکوشد کشاورزان اصفهان را مقصر جلوه دهد.

شنبه ۱۶ فروردین:

گروهی از کشاورزان در اصفهان در همراهی با مردم در اعتراض به خشک شدن زاینده رود و نابودی کشت و زندگی و امینی زیست محیطی شهر تجمع کردند و با شعار "زاینده رود دائم حق مسلم ماست" بر بازگرداندن آب به زاینده رود تأکید کردند. این تجمع علیرغم فشارها و تهدیدات گسترده ی نهادهای امنیتی برای جلوگیری از راهپیمایی برگزار شد.

- کارکنان مخابرات در شیراز علیه احکام اخراج‌ها تجمع کردند. این کارکنان بیش از ده سال سابقه کار دارند و خواستار بازگشت فوری به کار هستند.

- در پی بارش شدید باران و سیلابی شدن مسیر رودخانه اطراف روستای جوانمیری



رفاهی وضعیت بسیار ناهنجار و غیر انسانی ای دارد. برخورد های وحشیانه، جنایتکارانه و ضد انسانی، شکنجه، توهین و تحقیر و فساد در ارائه خدمات، محرومیت زندانیان از دارو و درمان بعنوان بخشی از شکنجه روحی و جسمی زندانیان، محرومیت زندانیان از امکانات اولیه زندگی و انسانی از معضلات رایج در این زندان است. در حال حاضر دست کم ۷۵ زندانی سیاسی و عقیدتی در بند پنج زندان شیپان اهواز نگهداری می شوند و دوران محکومیت خود را در شرایطی سپری می کنند که اصل تفکیک جرائم رعایت نشده و از خدمات پزشکی و بهداشتی مناسب محروم هستند. زندانیان سیاسی ای که در این زندان از خدمات پزشکی محرومند عبارتند از: غلامحسین کلی، ایوب پرکار، مهران قره باغی، ناظم بریهی، صادق قاسمی، علی سیاحی، علی حلفی، محمدعلی عموری، عبدالامام زائری، مهدی خانی پور (حلفی)، عبدالزهره هلیجی، جابر سخراوی (صخرآوی)، حبیب دریس، یحیی ناصری، فارس رماحی، سید مختار آل بوشوکه، علی محتشم زاده، سید سالم موسوی، محمد مالک داورشناس، عباس خزرچی، حسن سواری، محمد حیدری، عبدالامیر زرگانی، یوسف سواری، سعید سعیدآوی، سید یاب آل بوشوکه، مرتضی مهنایور،

جاسم مقدم، محمد لویمی، علیرضا مرداسی، حجت آل محمدی، روح الله کاوسی، فرشاد اعتمادی فر، داوود حرمت نژاد، سامان حرمت نژاد، مسعود جامعی، امان جلالی نژاد، حسن نیسی، علی حیدری، احمد حمیری، علی چنانه، مهدی شریفی، ناجی سواری، علی مزرعه، باقر شاوردی، سلیم دریسآوی، جلال عساکره، کریم حیدری، عظیم عساکره، اسکندر مقدم، علی سگوربرآوی، محمدجواد امین زاده، رضا اکبری، سید مرتضی موسوی، فارق رحمانی، علیرضا زرگانی، محمود فرخ نیا، مرتضی صادقی، امیرحسین بت شکن، امین یاورزاده، محمدعلی بهادری، جمیل بوعدار، یوسف منصوری، عامر مجاسب، محمد عذاری، عبدالله دلیری، علیرضا گلدم، حسین صالحی، سید محمد موسوی، محمد سواری، ماجد چلداوی، جواد فاضلی، یاسر انتصاری، خلف شاوردی، جاسم آلبوغیش، احمد سگور

با اعتراضاتی سراسری با سرکوبگری های حکومت مقابله کنیم. تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

دوشنبه ۱۱ فروردین:

از خوزستان خبر میرسد؟

۸ تا ۱۵ فروردین ۱۴۰۴



کمیته سازمانده - واحد خوزستان
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

جمعه ۱۵ فروردین:

کارگران شرکت نفت بخش تاسیسات، نسبت به سطح نازل حقوقها، دلاری بودن هزینه ها و افزایش روز افزون نرخ دلار و گرانی روز افزون قیمت اجناس ضروری زندگی خبر میدهند. این کارگران میگویند نفت به دلار فروخته میشود، حقوق ما کارگران نفت هم باید دلاری باشد.

پنجشنبه ۱۴ فروردین:

فقر و سونامی گرانی بیداد میکند. طبق گزارشی دریافتی از اهواز، در این شهر مثل خیلی شهرهای دیگر نان دفتری و نسیه ای رواج بسیاری پیدا کرده است. حتی بسیاری از میوه فروشی ها برای فروش پیاز و سیب زمینی، حساب دفتری و نسیه ای باز کرده اند. اعتراض علیه فقر و گرانی در اعتراضات بخش های مختلف مردم حرف اول را میزند.

چهارشنبه ۱۳ فروردین:

سردار سید تیمور حسینی رئیس پلیس راهور فراجا، در خصوص آمار تصادفات نوروزی اعلام کرد که از ۲۵ اسفند ۱۴۰۳ تا ۱۳ فروردین ۱۴۰۴، در مجموع ۹۲ هزار و ۸۲۳ فقره تصادف در سطح کشور به ثبت رسیده که منجر به جانباختن ۷۹۶ نفر شده است. به گفته او خوزستان یکی از استانهایی است که بیشترین آمار تصادفات را داشته و شماری را به کام مرگ برده است. از جمله روز گذشته در اثر برخورد دو دستگاه خودروی سواری زانتیا و پژو ۴۰۵ در جاده شهیون دزفول هفت نفر مصدوم شدند.

این ابعاد از صدمات جانی در تصادفات نوروزی نتیجه عواملی چون جاده های نا امن و نبود زیرساخت با استاندارد بالا، نبود وسایل حمل و نقل استاندارد و امن، اتومبیل های خارج از استاندارد به دلیل گرانی و بحران اقتصادی و فقر عمومی و عواملی از این دست است و هر روزه از مردم قربانی میگیرد.

مقامات حکومتی در اینجا نیز مردم را مقصر میخوانند. اما روشن است که این مرگ های سریالی در تصادفات جاده ای نتیجه سیاست های حکومت و ساختارهای فرسوده است که انسانها را قربانی سود اندوختن شرکت های خودروساز و پیمانکاران کرده است.

در نوروز هر سال نیز که سفرهای نوروزی بسیار است، شاهد گسترش تصادفات و چنین ابعاد جنایتباری از جانباختن انسانها در تصادفات در جاده ها هستیم. نوروز هر سال که باید زمانی برای دیدار و شادی مردم باشد؛ اکنون برای صدها خانواده، به مصیبت و اتفاقاتی ناگوار تبدیل شده است. واحد خوزستان همدردی خود را با خانواده هایی که عزیزان خود را در این تصادفات از دست داده اند اعلام میکند. حکومتی که دهه هاست نتوانسته یا نخواسته امنیت راهها و وسایل حمل و نقل را تأمین کند، نمی تواند از زیر بار این مسئولیت شانه خالی نماید.

سه شنبه ۱۲ فروردین:

قبلاً گزارش کردیم که زندان شیپان از نظر شرایط بهداشتی، تغذیه، درمان، و امکانات

تجمع اعتراضی کارگران ماشین سازی اراک و تجمع بازنشستگان در رشت



باید گردد، "معلم زندانی آزاد باید گردد" صدای اعتراض خود را علیه سرکوبگری های حکومت بلند کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ اسفند ۱۴۰۳، ۶ آپریل ۲۰۲۵

امروز هفدهم فروردین ماه کارگران ماشین سازی اراک در اعتراض به مشکلات جدی معیشتی و واریز نشدن معوقات مزدی خود تجمع کردند. به گفته کارگران مدت هاست که کارفرما به تعهدات خود عمل نکرده و پرداخت مطالبات عرفی و مناسبی آنها از جمله حق هزینه تحصیلی فرزندان و کمک های نقدی، به تاخیر افتاده و برخی موارد حتی قطع شده است. کارگران خواستار افزایش فوری حقوقها و پرداخت معوقات مزدی شان هستند.

بعلاوه در اطلاعیه قبل از تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در سه شهر اهواز، شوش و تهران گزارش دادیم. بنا بر اخبار تکمیلی در این روز بازنشستگان تامین اجتماعی در همراهی با بازنشستگان مخابرات و بهداشت تجمع داشتند و پیگیری مطالباتشان شدند. در این تجمع اعتراضی بازنشستگان با شعارهای "کارگر زندانی آزاد

قصاص، یک عمر عذاب و جدان مرگ انسانی دیگر را بر دوش می کشند. در مقابل این جنایت ما شاهد جنبشی هستیم که به نام جنبش بخشش، که مقابله خانواده ها و مردم با قصاص و قوانین ارتجاعی مجازات های اسلامی و کل بساط اعدام و سرکوب حکومت است. این جنبش خود گوشه ای از جنبش علیه اعدام است. جنبشی قدرتمند که یکسرش در زندانهاست، یک سرش در کف خیابانها و سردیگرش در اقصاء نقاط جهان. جنبشی که میگوید اعدام قتل عمد دولتی است و اعدام تحت هر عنوانی باید لغو شود. جنبشی که با کارزار سه شبه های نه به اعدام به حماسه ای در تاریخ تبدیل شده است و میرود کل بساط اعدام و حکومت اعدام و جنایت را جمع کند. جنبشی که یک رکن مهم جنبش زن زندگی آزادی برای رهایی جامعه است.

جمعه ۸ فروردین:

بنا به گزارش دریافتی، ماجد ساری، جوانی ۳۳ ساله از کوی علوی اهواز، تنها به جرم اندیشیدن، اعتراض کردن و خواستن حق و حقوق اولیه خود و با اتهام های کلیشه ای اجتماع و تبانی، عضویت در گروه های مخالف، تبلیغ علیه نظام به ۱۲ سال و نیم حبس محکوم شده و در بند پنج زندان شبان محبوس است. ماجد ساری و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

- ۳۰۰ کارگر پیمانی کارخانه سیمان کارون واقع در ۴۲ کیلومتری مسجد سلیمان (گلگیر)، استان خوزستان صدای اعتراض خود را نسبت به قراردادهای موقت شرکتی، نداشتن ایمنی شغلی و سطح نازل حقوقها رسانه ای کردند. به گفته کارگران از آغاز کار، قرارداد سه ماهه ای با ۹۰ درصد از کارگران منعقد کرده اند در حالیکه کارشان دائمی و مستمر است. این قراردادها، تا آخر اسفند سال گذشته اعتبار داشت و در روزهای پایان سال ۱۴۰۳ عیدی و سنواتی که باید هر سه ماه یکبار طبق قرارداد به حساب کارگران پرداخت می شد، واریز نشده است. قرارداد این کارگران با یک شرکت پیمانکار است و خواست آنها قرار داد آنها با شرکت سیمان کارون است. هر کدام از این کارگران ۱۵ تا ۲۰ سال سابقه کار دارند.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری
۱۵ فروردین ۱۴۰۳، ۴ آپریل ۲۰۲۵

از صفحه ۱۱

از خوزستان خبر میرسد...

در حالی که شهرداری باید در اوج تعطیلات نوروزی نظارت بیشتری بر وضعیت شهر و پارکها داشته باشد، پارک ساحلی عامری به دلیل فاضلاب سر باز و بوی تعفن، به محیط نامطبوعی برای بازدیدکنندگان تبدیل شده است. این وضعیت شرایط اسفناک معیشتی مردم را نشان میدهد.

یکشنبه ۱۰ فروردین:

فقر و نابودی معیشتی هر سال بر شمار کودکان محروم از تحصیل و کودکان کار و خیابان افزایش میدهد. گزارشات از چندین میلیون کودک محروم از تحصیل حکایت میکند. معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری خوزستان طی سخنانی از خارج مانند ۸۳ هزار دانش آموز از چرخه تحصیل در استان خوزستان خبر داده است. این اعترافات سندی بر محکومیت حکومت است.

- بنا بر اطلاعیه سازمان هواشناسی، شاخص هوای شهرهای اهواز و سوسنگرد در این روز ۱۵۳ و ناسالم گزارش شده بود. همچنین شاخص هوای شهرهای امیدیه ۱۰۰، اندیمشک ۱۲۲، رامهرمز ۱۰۰، شادگان ۱۱۰، شوشتر ۱۳۲، گتوند ۱۰۶، هندیجان ۱۴۷، هویزه ۱۳۱ و در وضعیت ناسالم برای گروه های حساس اعلام گردید. آلودگی هوا یک معضل زیست محیطی در نتیجه سیاستهای تخریبی حکومت است.

شنبه ۹ فروردین:

یک زندانی در دزفول که پیشتر از بابت اتهام قتل به اعدام محکوم شده بود، با کسب رضایت اولیای دم از چوبه دار رهایی یافت. جمهوری اسلامی با قوانین ارتجاعی مجازات های اسلامی از جمله قصاص می کوشد خانواده های مقتولین را تحت عنوان "اولیای دم"، همدست جنایت خود کند. نتیجه افتادن به دام این توطئه کثیف و جنایتکارانه این میشود که این خانواده ها هم عزیزی را از دست داده اند و هم عملاً همدست حکومت در قتل انسانی دیگر میشوند که خود قربانی این سیستم است. بدین ترتیب هم غم از دست دادن عزیزی را دارند و هم در صورت شرکت در

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی

اعتراضات کشاورزان اصفهان گسترش می یابد

حمله نیروهای سرکوب به کشاورزان اصفهان در هرند محکوم است



اعتراضات کشاورزان در زمستان سال ۱۳۹۶ بصورت تظاهراتی بزرگ سر بلند کرد و شکل جدی تری بخود گرفت و نقطه اوج آن در آبان ۱۴۰۰ بود که به تحصنی بزرگ همراه با مردم منطقه اصفهان منجر شد. در چهار آذر ماه آن سال بود که جمهوری اسلامی با حمله شدید و وحشیانه به کشاورزان و مردم معترض، چادرهای کشاورزان و مردم را جمع کرد. اما تا چند روز بعد از آن مردم و کشاورزان کوچه به کوچه با سرکوبگران حکومت درگیر بودند.

کشاورزان اصفهان با این پیشینه از اعتراض یک کانون داغ مبارزاتی در اصفهان را شکل می دهند که مورد پشتیبانی مردم قرار دارند. از همین رو در این دور از اعتراضات در یازدهم فروردین ماه حکومت حمله وحشیانه ای به صف اعتراض آنها در هرند اصفهان کرد. تجمع امروز دوازدهم فروردین ماه آنان پاسخ محکمی به سرکوبگری حکومت بود. کشاورزان اصفهان اولتیماتوم داده اند که تا وقتی پاسخ نگیرند اعتراضاتشان را ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری ضمن محکوم کردن حمله به صف کشاورزان معترض اصفهان قاطعانه از اعتراضات آنان پشتیبانی میکند و مردم اصفهان و کشاورزان در استانهای دیگر را که آنها نیز با بحران آب درگیرند، به حمایت وسیع از آنان فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ فروردین ۱۴۰۳، ۱۰ آوریل ۲۰۲۵

امروز دوازدهم فروردین ماه جمعیت بزرگی از کشاورزان در شرق اصفهان در شاهتور به خیابان آمدند و با شعارهای اعتراضی خود از جمله شعار "آب زاینده رود حق مسلم ماست" دست به راهپیمایی زدند و از مردم خواستند که به صف اعتراضشان پیوندند. این حرکت اعتراضی در حالی صورت گرفت که در روز قبل از آن تجمع کشاورزان اصفهان در هرند مورد حمله وحشیانه مزدوران یگان ویژه و لباس شخصی ها قرار گرفت و در جریان آن بیش از ۵۰ نفر از کشاورزان مجروح و تعدادی هم در بیمارستان بستری شدند.

به گفته کشاورزان بدنال اعتراضات مکرری که داشته اند در هفته گذشته به آنها قول داده شده بود که روز ۸ فروردین مسیر آب به زاینده رود به روی مزاح آنها باز شود اما این وعده انجام نشد و برعکس کشاورزان معترض را مورد حمله قرار دادند. در شرایط فعلی کشاورزی در این منطقه در حال نابودی است و کشاورزان نگران وضعیت معیشت و زندگی شان هستند. این در حالیست که سونامی گرانی و مشکلات معیشتی فشار سنگینی بر آنها و خانواده هایشان وارد کرده است. اعتراضات روزهای اخیر شرق و غرب اصفهان از جمله ورزنه تا رودش و اطراف آن را فرا گرفته است. دولت به بهانه تأمین آب شرب اصفهان و یزد از رهاسازی آب خودداری می کند، کشاورزان نیز اعلام کرده اند که اگر حقایق آنها تأمین نشود و آب به زاینده رود بازنگردد اعتراضات خود را گسترده تر خواهند کرد.

اعتراض کشاورزان به خشک شدن زاینده رود اعتراض همه مردم در اصفهان است. زاینده رود برای مردم این منطقه بیش از یک رودخانه، بلکه شریان حیات محسوب می شود.

کشاورزان استان اصفهان از چندین سال قبل سلسله اعتراضاتی به دلیل محرومیت از حقایق و علیه مافیای آب داشته اند. حقایق داران حوضه زاینده رود شامل شهرستان های لنجان، مبارکه، فلاورجان، نجف آباد و اصفهان هستند.

شنبه شانزدهم فروردین تجمع کشاورزان و مردم در پل خواجه اصفهان

زاینده رود دائم حق مسلم ماست



معیشتی است که برای آنان و کل این استان ایجاد شده است. بحران آب، بحرانی است که کشاورزان در تمام استانها و همه مردم با آن درگیرند. آب را هم برای مردم در شهرهای مختلف جیره بندی کرده اند. از مبارزات کشاورزان و مردم اصفهان باید سراسری حمایت کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۶ فروردین ۱۴۰۳، ۵ آوریل ۲۰۲۵

امروز شانزدهم فروردین ماه گروهی از کشاورزان در اصفهان در همراهی با مردم در اعتراض به خشک شدن زاینده رود و نابودی کشت و زندگی و امینی زیست محیطی شهر تجمع کردند و با شعار "زاینده رود دائم حق مسلم ماست" بر بازگرداندن شدن آب به زاینده رود تأکید کردند.

فراخوان این تجمع از قبل داده شده بود و وقتی حکومتیان با فراخوان به تجمع بزرگ شهر در خواجه را دیدند، سراسیمه آب را به رودخانه زاینده رود جاری کردند و بعد هم طی از سوی اتاق اصناف کشاورزی شهرستان اصفهان امشب بیانیه ای مبنی بر لغو برگزاری هرگونه تجمعی را دادند. و در کنار آن فشارهای امنیتی را شدت دادند. اما علیرغم فشارها و تهدیدات گسترده ی نهادهای امنیتی برای جلوگیری از راهپیمایی امروز، گروهی از کشاورزان و مردم در نزدیکی پل "خواجه" گرد آمده، اعتراض خود را به بستن این رود فریاد زدند.

کشاورزان اعلام کرده بودند که بازگشایی محدود و موقت آب جواب نیست. وعده و وعید قبول نمیکنند و متحد و یکپارچه مقابل تفرقه افکنی ها می ایستند و باید آب به زاینده رود باز گردد.

کشاورزان و مردم اصفهان سیاستهای مخرب جمهوری اسلامی را عامل اصلی خشک شدن زاینده رود میدانند و اعتراضشان به مافیای آب و مشکلات زیستی -



فراخوان کشاورزان به مردم اصفهان به تجمع بزرگ در پل خواجو فراخوان بازنشستگان تامین اجتماعی به تجمعات یکشنبه های اعتراضی



۱۴۰۰ برگزار شد. اعتراضاتی که تمام شهر را به حرکت در آورد. از تجربیات و درسهای آن برای برپا کردن هر چه قدرتمند تر تجمع شانزدهم فروردین و تداوم اعتراضات برای بازگرداندن آب به زاینده روز باید سود جست. حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت از مبارزات کشاورزان، مردم شهر اصفهان را به پیوستن وسیع به تجمع شانزدهم فروردین ماه فرا میخواند.

اعتراضات بر سر معیشت و رفاه گسترده است. بازنشستگان نیز در اعتراض به فقر و سونامی گرانی و تعرضات هر روزه حکومت به معیشت خود در تدارک تجمعات اعتراضی خود هستند. افزایش تحقیر حقوقها که با سونامی گرانی حاکم عملاً برابر با کاهش مزد آنهاست، قرار اجرایی کردن قانون افزایش سن بازنشستگی از جمله موضوعات حاد اعتراضات آنانست. دهم فروردین بازنشستگان تامین اجتماعی رشت اولین تجمع بازنشستگان در سال جاری را استارت زدند. اکنون بازنشستگان در تهران و دیگر شهرها برای پیگیری مطالبات خود برای هفدهم فروردین ماه فراخوان به تجمع داده اند. بازنشستگان شایسته بیشترین حمایتها هستند.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۴ فروردین ۱۴۰۳، ۳ آپریل ۲۰۲۵

اعتراضات کشاورزان در اصفهان علیه وضع بد معیشتی و کشاورزی که راه امرار معاش آنها است و در اعتراض به بحران بی آبی و مافیای آب ادامه دارد. دور جدید اعتراضات آنان از سوم فروردین ماه با خواست فوری حقایق و بازگرداندن آب به زاینده روز آغاز شد. در ادامه این اعتراضات کشاوران اصفهان تمامی مردم این شهر را برای صبح شنبه شانزدهم فروردین ماه در اعتراض به خشک شدن زاینده رود که مشکلات معیشتی و زیست محیطی بسیاری برای تمامی مردم در این استان تبدیل شده، با خواسته "زاینده رود دایم" به تجمع بزرگ فراخوانده اند.

کشاورزان در فراخوان خود مینویسند: "نه بازگشایی محدود و موقت آب و نه وعده خسارت و نه حرف و خواسته هیچ کس و طرفی، تاثیر و تغییری در این فراخوان نمی دهد. این فراخوان حالا فراخوان همه مردم اصفهان است."

در این فراخوان ضمن هشدار به تلاشهای حکومتیان برای تفرقه افکنی در صفوف اعتراضی کشاورزان و جلوگیری از برگزاری تجمعات برحق آنان و وعده و وعید دادن و پخش اخبار ضد و نقیض برای پراکنده کردن صف اعتراضشان بر اتحاد و همبستگی مبارزاتی تاکید شده است. در فراخوان کشاورزان آمده است: "مردم اصفهان زاینده رودشان را می خواهند. شعارها متمرکز حق و حقوق اصفهان از "حقابه کشاورزان و محیط زیست" تا "زاینده رود دائم" و هدف قرار دادن مسئولین این فاجعه در اصفهان است.

در رابطه با همین موضوع کشاورزان خوراسگان در شرق اصفهان نیز برای فردا پانزدهم فروردین ماه تجمع خواهند داشت.

کشاورزان اصفهان تجربه درخشانی از مبارزه در همراهی با مردم را دارند. فراخوان آنان برای روز شانزدهم فروردین ماه یاد آور تجمع بزرگی است که در آبان

سیزده بدر علیه اعدام، و ادامه سه شنبه های نه به اعدام

خواهان لغو فوری حکم اعدام و ریشه مرادی از سوی دیوان عالی هستیم، زیرا این حکم نه یک تصمیم قضایی، بلکه یک قتل دولتی از پیش طراحی شده است و نسبت به تأیید حکم ایشان و سایر زندانیان ابراز نگرانی شدید می کنیم و در مقابل آن مقاومت خواهیم کرد.

کارزار "سه شنبه های نه به اعدام" ضمن ابراز انزجار از اعدامهای سبانه و احکام ضدانسانی اعدام فارغ از هر نوع اتهامی، خواهان لغو اعدام در ایران است.

همان طور که در هفته های گذشته شاهد حضور و تجمع جمعی از خانواده های زندانیان محکوم به اعدام در مقابل زندان لاکان رشت، اوین، سقز و در شهر سنقر بودیم، در همراهی و همدلی با این خانواده ها از تمامی مردم آزادی خواه و خانواده زندانیانی که عزیزانشان محکوم به اعدام هستند، می خواهیم در مکان های عمومی، مقابل زندان ها یا هر مکان دیگر تجمع اعتراضی برگزار کنند و خواهان لغو حکم ضدبشری اعدام باشند."

حزب کمونیست کارگری همصدا با فعالین کارزار سه شنبه های نه به اعدام از تمامی خانواده های محکومین به اعدام می خواهد که همراه با ۳۸ زندانی که در زندانها علیه اعدام در اعتراضند، برای نجات جان عزیزانشان و علیه اعدامها بیرون زندان را به محل تجمعات اعتراضی خود تبدیل کنند. حزب همگان را به پیوستن وسیع به کارزار نه به اعدام فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۴ فروردین ۱۴۰۳، ۳ آپریل ۲۰۲۵

روز چهارشنبه ۱۳ فروردین همزمان با روز سیزده بدر و حرکت وسیع زن مرد با زیر پا گذاشتن تفکیک جنسیتی و حجاب اجباری، خانواده های برخی از زندانیان نیز عکسهای عزیزانشان را در دست گرفتند و خواهان آزادی آنها شدند. از جمله پدر و مادر زندانی سیاسی وحید بنی عامریان، در شهرستان سنقر، ضمن در دست داشتن تصویر فرزندشان و پویا قبادی، دست نوشته هایی علیه اعدام در دست گرفته و خواستار لغو فوری احکام اعدام زندانیان سیاسی شدند.

پدر وحید بنی عامریان در صحبت های خود میگوید "عزیزانم سیزده بدر ۱۴۰۴ را نیز بدون حضورتان در بیرون از شهر با کوهی از غم و اندوه سپری کردیم در حالی که حکم اعدامتان صادر شده. هر لحظه در هر جا جلوی دیدگانمان حضور دارید عکسهایتان را در دستانتان گرفتیم با نه به اعدام. به این امید که سال جاری برای همیشه احکام اعدام لغو شود و به هیچ کسی به هر اتهامی، حکم اعدام ندهند..."

جنبش علیه اعدام جنبشی قدرتمند و اجتماعی است. خانواده های دادخواه یک ستون مهم این جنبش هستند. نماد برجسته این جنبش سه شنبه های نه به اعدام است که دامنه اش به سی و هشت زندان کشیده شده و در دوازدهم فروردین مه شصت و دومین هفته خود را پشت سر گذاشت. در بیانیه این هفته اعضای این کارزار نسبت به اعدامهای بیشتر هشدار داده و بر اتحاد مبارزاتی جهت پایان دادن به اعدامها و مجازات شنیع اعدام تاکید کرده و مینویسند "ما نسبت به احتمال اجرای احکام اعدام بعد از پایان تعطیلات، به خصوص نسبت به اجرای حکم کسانی که حکم ظالمانه آنان تأیید شده، هشدار می دهیم. پرونده و ریشه مرادی در دیوان عالی است. ما

اخباری از اعتراضات بر سر معیشت، و مرخصی داود رضوی از زندان بعد از ۹۵۴ روز حبس



عزیز را به خانواده اش و به کارگران این معدن تسلیت میگوییم.

- روز شانزدهم فروردین ماه در پی بارش شدید باران و سیلابی شدن مسیر رودخانه اطراف روستای جوانمیری آسیب جدی ای به بخش کشاورزی، مزارع و منازل مسکونی در دشت تنگ ذهاب وارد شد.

- داود رضوی فعال کارگری و عضو سندیکای شرکت واحد در شانزدهم فروردین ماه پس از ۹۵۴ روز زندان برای نخستین بار به مرخصی آمد. خوشحالیم که داود رضوی فرصت یافته است که مدتی کنار خانواده باشد. اما او باید بدون قید و شرط آزاد شود. داود رضوی ۶۵ سال سن دارد و در ۵ مهر ۱۴۰۱ با یورش مأموران امنیتی بازداشت و به زندان اوین منتقل شده بود. در دوران بازداشت نیز با مشکلات گوارشی و دیگر بیماریهای جسمی درگیر بود علیرغم تأکید پزشکان بر ضرورت ادامه روند درمان، تاکنون از حق مرخصی درمانی محروم مانده بود. محرومیت از دارو و درمان بخشی از سرکوب و جنایت حکومت در زندانهاست. با اعتراضی گسترده مقابل این سیاست جنایتکارانه حکومت باید ایستاد. تمامی زندانیان سیاسی باید بدون قید و شرط آزاد شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران- ۱۷ اسفند ۱۴۰۳، ۶ آپریل ۲۰۲۵

اعتراضات بر سر معیشت و علیه فقر و گرانی گسترده است. امروز هفدهم فروردین ماه نانوایان استان کرمانشاه در اعتراض به مشکلات معیشتی، افزایش هزینه‌ها و وضعیت بحرانی زندگی خود مقابل استانداری تجمع کردند. در همین راستا قرار است نانوایان برای روز ۲۰ فروردین در مقابل اتحادیه شهرستانها و یا فرمانداریها تجمع کنند.

در این روز کارکنان مخابرات در شیراز نیز برای دومین روز متوالی علیه احکام اخراج ها تجمع کردند. این کارکنان بیش از ده سال سابقه کار دارند و خواستار بازگشت فوری به کار هستند.

- خبر اعتراضی دیگر این روز مربوط به تجمع کارگران مجتمع هفت تپه نسبت به کم‌آبی مزارع نیشکر هفت تپه و کاهش میزان آب تخصیص داده شده به این مزارع است.

- گزارشها از صف‌های طولیل مردم برای تهیه آب آشامیدنی در یزد خبر میدهند. با قطع آب خانگی، صف‌های آب در برابر تانکرها و ایستگاه‌های پخش آب بر پا شده است. کم‌آبی در استان یزد، همچون دیگر جاهای کشور، ناشی از سیاست‌های مخرب سودجویانه حکومت و مافیای حاکم بر آب است. در حالیکه آب موجود در استان یزد را صرف مراکز صنعتی و نظامی و چپاولگریهایشان میکنند، حکومت با تبلیغات کثیف و تفرقه افکنانه میکوشد کشاورزان اصفهان را مقصر جلوه دهد. هوشیارانه مقابل این تفرقه افکنی‌ها بایستیم. کشاورزان اصفهان و مردم این شهر با اعتراض به مافیای آب و سیاستهای تخریبی زیست محیطی حکومت صدای اعتراض همه مردم هستند. از اعتراضات آنها وسیعا حمایت کنیم.

- روز ۱۷ فروردین همچنین در اثر ریزش معدن سنگ آهن در روستای عبدالله آباد مهاباد، یک معدنکار جان باخت و یک نفر هم مصدوم شد. در ایران از "معدن مرگ" صحبت می‌شود که هر روزه از کارگران قربانی میگیرد. جانباختن این معدنکار

تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد و معدن در چندین شهر

معیشت، منزلت، حق مسلم ماست



امروز هفدهم فروردین ماه بازنشستگان تامین اجتماعی در ادامه تجمعات روزهای یکشنبه خود در در اهواز، تهران و شوش تجمع و اعتراض کردند. بازنشستگان فولاد نیز در اصفهان و قائمشهر تجمع کردند. بازنشستگان در تجمعات خود فریاد خود را نسبت به مشکلات حاد معیشتی، و به فقر و گرانی بلند کردند و عزم خود را به ادامه مبارزات و تجمعات خود ابراز کردند.

در این تجمعات بازنشستگان بنرهایی در دست داشتند که با مضامینی چون "خط فقر بالای ۵۰ میلیون"، "تورم دلاریه، حقوق ما ریالیه"، "درمان رایگان حق مسلم ماست" توجه‌ها را جلب میکرد. بازنشستگان شعار میدادند "شورای عالی کار، حامی سرمایه دار"، "روسری را رها کن، تورم را مهار کن"، "حقوق بازنشسته، فقط برای یک هفته"، "معیشت، منزلت، سلامت، حق مسلم ماست"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "فقط کف خیابان بدست میاد حقمان"، "فقر و فساد همینجاست، حرومزاده آمریکاست"، "خط فقر ۱۰۰ میلیون/ حقوق ما ۱۰ میلیون"، "غارت‌های

نجومی/ فلاکت عمومی"، "اسماعیل گرامی آزاد باید گردد"، "نوروز ذبیحی آزاد باید گردد"، "ابراهیم مددی آزاد باید گردد"، "تا حق خود نگیریم/ یکشنبه‌ها همین جا"،

بازنشستگان فولاد در اصفهان مقابل صندوق بازنشستگی در خیابان نشاط تجمع داشتند و بازنشستگان منطقه البرز در برابر ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد منطقه البرز مرکزی در قائم شهر دست به راهپیمایی زدند. معترضین شعار میدادند "آهای رئیس دولت، دروغ گفتید به ملت"، "اینهمه بیعدالتی، هرگز ندیده‌ام ملتی"، "فولادی دادبزن، حقتو فریاد بزن"، و "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون".

بازنشستگان صدای اعتراض کل جامعه هستند. از خواستها و اعتراضاتشان وسیعا حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران- ۱۷ اسفند ۱۴۰۳، ۶ آپریل ۲۰۲۵

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست

تجمعات بازنشستگان مخابرات در چندین شهر و تجمع کارگران رسمی نفت در لاوان



مشاغل و شمول فوق‌العاده‌های مناطق عملیاتی در سقف حقوق دست به اعتراض زدند و اعلام کردند تا تحقق مطالبات بحق خود تمام کارکنان مناطق عملیاتی، به اعتراض ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ فروردین ۱۴۰۴، ۷ آپریل ۲۰۲۵

امروز هجدهم فروردین بازنشستگان مخابرات در ادامه دوشنبه‌های اعتراضی در شهرهای بیجار، مریوان، بندرعباس، سنندج، رشت و تبریز در اعتراض به مشکلات معیشتی و برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند. در روز گذشته نیز بازنشستگان مخابرات در تهران در همراهی با بازنشستگان تامین اجتماعی و معلمان بازنشسته تجمع داشتند. و با شعارهای "خط فقر ۱۰۰ میلیون/ حقوق ما ۱۰ میلیون"، "غارت‌های نجومی/ فلاکت عمومی" صدای اعتراض خود را به فقر و بی‌تامینی بلند کردند. در رشت مزاحمت عوامل "حراست" مخابرات، به درگیری میان بازنشستگان و حراستی‌ها انجامید. و جمعیت با هو کردن آنها شعار میداد: "مرگ بر مدیر بی‌لیاقت!"

در تجمعات این روز بازنشستگان مخابرات با شعارهایی چون "سهامدار عمده حق ماها را خورده"، "بنیاد تعاون حق ماها را خورده"، سیستم چپاول و دزدی حاکم را به چالش کشیدند. اهم مطالبات فوری بازنشستگان مخابرات عبارتند از: اجرای بدون تنازل بند ۶ و ۹ مصوبه اسفند ماه سال ۸۵ هیئت وزیران، و آیین نامه ۸۹/۲۴ مرداد ماه سال ۸۹ هیئت مدیره وقت شرکت مخابرات ایران و دیگر سهامداران عمده شرکت. در فضای گرانی فزاینده و چپاول دست اندرکاران حاکم، بخشهای مختلف بازنشستگان زیر بیشترین فشارهای معیشتی قرار دارند و فریادشان هر روز بلند است. از اعتراضات آنها فعالانه حمایت کنیم.

حرکت اعتراضی دیگری در این روز از سوی کارگران رسمی نفت شرکت فلات قاره در منطقه لاوان انجام گرفت. این کارگران در اعتراض به تفکیک تبعیض‌آمیز

تظاهراتهای هزاران نفره علیه دولت ترامپ

کاظم نیکخواه



زیستی آن آینده‌ای بسیار تاریک‌تر را در انتظار خود می‌بینند. دوم دولت‌هایی هستند که جنگ تعرفه‌ها آنها را به اقدامات متقابل کشانده است و در حال ایجاد راهکارهایی برای مقابله با جنگ تجاری ترامپ هستند. سوم دوست همیشگی ترامپ و ایلان ماسک و همه میلیاردرها، یعنی جناب بازار است که دارد دندان‌قروچه می‌رود! با سقوط ارزش سهام و شروع رکود و تورم و ارزیابی‌های بسیار منفی اقتصاددانان از آینده، بازار نیز دارد نارضایتی شدید خود را از دولت ترامپ ابراز می‌کند. اینها تازه نوک کوه یخ تقابل با دولت ترامپ است. بحران‌ها و فوران‌های بسیار بیشتری در راه است.

ترامپ اخیراً اعلام کرد که علی‌رغم منع صریح قانون اساسی، بعد از پایان این دوره می‌خواهد در دور سوم نیز رئیس‌جمهور آمریکا شود. اما اوضاع سیاسی و اقتصادی و بین‌المللی گویای اینست که پایان بردن همین دوره نیز برای او و دولتش قطعی نیست. حداقل کار آسانی نخواهد بود. (مندرج در نشریه ژورنال)

از زمان روی کار آمدن ترامپ در آمریکا حدود دو ماه و نیم بیشتر نمی‌گذرد. اما طی همین مدت کوتاه عوارض بحران‌آفرین سیاست‌های دولتش همه جا احساس می‌شود و جبهه‌های متعددی علیه این دولت باز شده است.

از جمله روز ۱۶ فروردین در بیش از ۵۰ ایالت آمریکا تظاهراتی هزاران نفره با عنوان "دست از سر ما بردار!" با همکاری بیش از ۱۵۰ گروه از جمله گروه‌های مدنی، کارگری، فعالان حقوق اقلیت‌های جنسی و جنسیتی به جریان افتاد و ده‌ها هزار نفر در آنها شرکت کردند و علیه ترامپ و دولتش شعار دادند. تظاهرکنندگان اقدامات دولت ترامپ از جمله اخراج هزاران کارمند دولت فدرال، تعطیلی دفاتر سازمان تامین اجتماعی، بسته‌شدن کامل برخی نهادهای دولتی، اخراج مهاجران، محدودسازی حمایت‌ها از اقلیت‌های جنسیتی و کاهش بودجه برنامه‌های بهداشتی را محکوم کردند.

در کشورهای دیگری از جمله مکزیک، فرانسه، آلمان و بریتانیا نیز تظاهراتی در مخالفت با سیاست‌های دونالد ترامپ و اقدامات ایلان ماسک برگزار شد. ترامپ دعا می‌کند که می‌خواهد "عظمت آمریکا" را بازگرداند اما عملاً دارد "افول آمریکا" را تسریع می‌کند.

در واقع سه جبهه کاملاً ناهمگون با دولت ترامپ وارد تقابل شده‌اند. یکی کارگران و کارکنان ادارات و مردمی هستند که بیکاری و تورم زندگی‌شان را به ناامنی کشانده و با سیاست‌های ضداجتماعی و ضد حقوق انسانی و ضد پناهندگی و ضد محیط

پیش بسوی اعتصابات سراسری!

بیانیه: شورای بازنشستگان ایران در اعتراض به افزایش سن بازنشستگی



اوقات فراغت و بهره مندی بیشتری از زندگی داشته باشند، در ایران هم مال و اموال کارگران را در صندوقهای بازنشستگی به یغما می‌برند و هم سنشان را برای ترک کار و بازنشستگی بیشتر می‌کنند تا با افزایش و انباشت منابع صندوقها از دسترنج شاغلین، ثروت بازهم بیشتری در دسترس حکومت قرار گیرد.

افزایش سن بازنشستگی عدد و رقم نیست، تحمیل مشقت بیشتر به عمر آدمی است. محروم کردن بیشتر انسان از مواهب زندگی ست، کاهش امید به زندگی ست که کل شاخص های انسانی جامعه را به عقب می‌کشد.

در مقابل این تعرض باید ایستاد.

زندگی ما ارزش دارد، لعنت به شما!!

شورای بازنشستگان ایران-۱۲ فروردین ۱۴۰۴ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

"آیین‌نامه تغییر سن بازنشستگی برای سال ۱۴۰۴ ابلاغ شده است و از فروردین ماه قابل اجراء است؛ بر اساس آن برای بازنشستگی لازم است یا ۶۲ ساله باشید یا ۳۵ سال سابقه کار داشته باشید.

در عین حال، هنوز برای بازنشستگان سخت و زیان آور تکلیفی ابلاغ نشده و مشخص نیست برای سنوات ارفاقی بازنشستگی پیش از موعد چه تصمیمی خواهند گرفت/ایلنا

افزایش سن بازنشستگی، نخستین تعرض حکومت به زندگی کارگران در سال جدید! سالی که نکوست از بهارش پیداست!

بواسطه کنترل و مدیریت دولت بر صندوق‌های بازنشستگی و غارت و چپاول و بحران در آنها، حکومت به بهانه تقویت بنیه صندوقها مانند همیشه برای دست بردن به معیشت مردم آماده و مهیای اجرای "قانون" های خودساخته است.

در حالیکه سن بازنشستگی با رشد تکنولوژی و ارتقاء بهره وری در جهان، باید کاهش یابد و اکثریت انسان‌ها که تولید کنندگان نعمات و امکانات مادی جامعه هستند باید

جان پخشان عزیزی در خطر است به نجات جان او بشتابیم



عزیزی به راه افتاد است که در آن چنین آمده است: که یکبار دیگر متحدهانه بگوییم پخشان عزیزی را اعدام نکنید.

در زیر این طوفان باکس استوری اینستاگرامی نوشته شده: "اتحاد ما نجات جان پخشان است!"

به این کارزارها وسعا پیوندیم. (برگرفته از مدیای اجتماعی)

همانطور که در جریان هستید، در حمایت از پخشان قبلا بیش از پنج هزار نفر از دادخواهان، فعالان حقوق زنان، وکلا، فعالان جنبش زن زندگی آزادی، فعالان حقوق کودکان، فعالان کارگری، معلمان، بازنشستگان، نویسندگان، پرستاران، شعرا، آسیب دیدگان چشمی جنبش زن زندگی آزادی، هنرمندان، فعالان محیط زیست و مردم آزادیخواه طوماری دادند و در آن بر لغو حکم اعدام وی و آزادی اش ز زندان و توقف مجازات اعدام تاکید کردند. کنون خبر رد دومین درخواست اعاده دادرسی پخشان_عزیزی توسط دیوان عالی کشور همگان را نگران کرده است. مازیار طاطایی، وکیل پخشان عزیزی در روز گذشته این خبر را رسانه ای کرد. اکنون در ادامه این کارزار در اینستاگرام طوفان باکس استوری ای در حمایت از پخشان

"من هم مادر کسی هستم"

دادخواهیم!

زن و مرد، پیر و جوان، دست در دست یکدیگر گذاشتیم و در جایی مثل ارومیه که خواستند با تفرقه افکنی غیر انسانی قومی، صف ما مردم دادخواه را متفرق کنند، همصدا با عزیزان جانباخته مان فریاد زدیم: ما همه با هم هستیم!

ما دادخواهان، رسالت دادخواهی را بر دوش داریم و تا روز پیروزی و به محاکمه کشاندن عاملان و آمران کشتار چندین دهه، نام و یاد عزیزان مان را زنده نگه میداریم.

کارزار "من مادر کسی هستم" عزم ما مادران دادخواه است:

هم پیمان می شویم راه فرزندان مان را برای نابودی ظلم و دیکتاتوری ادامه دهیم و تا آخرین نفس فریاد می زنیم: #دادخواهیم #نه_میخیشیم_نه_فراموش_میکنیم #ایستاده_ایم_تا_پایان دادخواهان-فروردین ۱۴۰۴ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

ما خانواده های دادخواه، سال ۱۴۰۴ را با قدرت اتحاد و همبستگی و نوید سال پیروزی دادخواهی آغاز کردیم.

جشن های مردمی چهارشنبه سوری و مراسم نوروزی و سیزده بدر را با جشن و رقص های گروهی، شادی و با به دست گرفتن عکس عزیزان جانباخته مان قدر دانستیم.

با اتحاد و یکدلی مردمی در برابر ستمگران مرگ آفرین، دور تازه مبارزه را برای پیروزی دادخواهی رقم زدیم.





جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود

اساس حکومت اسلامی بر اعدام و کشتار گذاشته شده است. موارد بسیاری از اعدام کودکان، سازماندهی و حمایت از تروریسم در سطح بین المللی و جنایات بسیار فجیع علیه بشریت در کارنامه این رژیم وجود دارد. مواردی از آنرا در اینجا اشاره میکنیم:

اخیرا محسن رفیق دوست نخستین وزیر سپاه پاسداران و رئیس سابق نهاد حکومتی "بنیاد مستضعفان"، اخیرا در مصاحبه ای با یک تلویزیون حکومتی اعتراف کرد که فرمانده تیم‌هایی بوده که مسئول اجرای ترورهای هدفمند چهره‌های سرشناس مخالف جمهوری اسلامی در کشورهای دیگر، از جمله شاپور بختیار، غلامعلی اویسی، شهریار شفیق و فریدون فرخزاد بوده‌اند. او اعتراف کرد که با پولهای کلان از باندهای بین المللی برای انجام ترور مخالفین حکومت در کشورهای دیگر بهره برداری کرده است. شمار ترور مخالفین توسط جمهوری اسلامی در خارج سر به صداها میزند. از آن جمله می توان به نامهایی از جمله غلام کشاورز، صادق شرفکندی، کاظم رجوی، عبدالرحمان قاسملو، صدیق کمانگر، عبدالرحمان برومند، و همایون اردلان اشاره کرد.

بدنبال انقلاب زن زندگی آزادی و دستگیریهای وسیع و کشتار صدها نفر از معترضین توسط جمهوری اسلامی، حکومت از ترس سر بلند کردن قدرتمند تر انقلاب بر سرکوبها و اعدام ها شدت داد. طبق گزارشات در سال گذشته دست کم ۹۷۵ تن در ایران اعدام شده‌اند. این عدد نسبت به ۸۳۴ اعدام که در سال گذشته میلادی ثبت شد، ۱۷ درصد افزایش نشان میدهد.

در سپتامبر ۲۰۲۲، رژیم اسلامی مهسا امینی را فقط به خاطر حجاب به قتل رساند. به دنبال آن در خیزش زن زندگی آزادی بر اساس آمار منابع بین المللی، در طول ۵ ماه تظاهرات بیش از ۵۰۰ نفر توسط مزدوران دولتی هدف گلوله قرار گرفتند و کشته شدند که ۶۰ نفر از آنها کودک بودند. بعلاوه اینکه ما در جریان این انقلاب آسیب دیدگانی را داریم که با شلیک مستقیم جنایتکاران حکومت دچار نابینایی شده اند. در ۲۸ نوامبر ۲۰۲۳، مزدوران رژیم اسلامی آرمیتا گراوند دختر ۱۷ ساله را به خاطر حجاب به قتل رساندند.

جمهوری اسلامی ۴۶ سال است که جنایت و چپاول میکند. قبل از انقلاب زن زندگی آزادی شاهد خیزش های مردمی در سالهای ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ هستیم. که حکومت اسلامی در همه آنها با استفاده از ابزار سرکوب دست به جنایت علیه معترضین زد.

در جریان سرکوب خیزش مردمی در آبان ۹۸ بیش از هفت هزار مرد، زن، و کودک دستگیر و ۱۵۰۰ نفر به قتل رسیدند. سازمان عفو بین الملل در ۱۲ شهریور ۱۳۹۹ طی گزارشی تکانهنده با عنوان «ویرانگران انسانیت» جزییات بازداشت و جنایات حکومت در قبال بازداشت شدگان از جمله، شکنجه های وحشیانه برای گرفتن اعترافات اجباری، ناپدید سازی های قهری و تجاوز در زندانها خبر داد.

علاوه بر این، زندانیان با محرومیت از دارو و درمان لازم و یا انتقال به مراکز روانپزشکی و استفاده اجباری از داروهای روانگردان در معرض «اعدام خاموش» قرار دارند. اینها همه گواه روشن ابعاد تکان دهنده جنایات جمهوری اسلامی در ایران است.

در ژوئن ۲۰۲۴ سازمان عفو بین الملل اعلام کرد که آپارتاید جنسیتی باید طبق قوانین بین المللی به عنوان یک جنایت شناخته شود تا تلاشها برای مبارزه با رژیم‌هایی که به طور سیستماتیک تبعیض‌هایی را بر اساس جنسیت اعمال می‌کنند، تقویت شود.

تابستان ۱۹۸۸ در ماههای اوت و سپتامبر، بدنبال پایان جنگ ایران و عراق، بدستور مستقیم خمینی یک «کمیسیون مرگ» تشکیل شد و هزاران زندانی سیاسی را که از سالها قبل به زندان محکوم شده بودند، به جوخه اعدام سپرد. اسامی حدود ۵۰۰۰ نفر از جانبختگان توسط نیروهای اپوزیسیون جمع آوری شده است. اما آمار واقعی بیش از اینها است.

شلیک موشک به هواپیمای مسافربری اوکراینی و کشته شدن ۱۷۶ سرنشین آن در ژانویه ۲۰۲۰، کشتن ۱۵۰۰ نفر در خیزش توده ای ۹۸، هر یک به تنهایی باید برای دفاع از اخراج این رژیم از سازمان بین المللی کار و از همه سازمان های بین المللی و تحریم جهانی آن کافی باشد.

در رژیم فاشیستی اسلامی کارگران حق تشکیل اتحادیه و تشکل های مستقل خود را ندارند. کارگران اساساً حق اعتصاب، اعتراض و تشکل ندارند.

در حال حاضر بیش از ۳۵ کارگر و معلم سرشناس به همراه بسیاری از زندانیان سیاسی دیگر در زندان هستند. همچنین تعدادی از کارگران، معلمان و فعالان سیاسی به حبس محکوم شده اند و ممکن است هر لحظه برای اجرای حکم زندان احضار شوند. این فعالان و خانواده هایشان از نظر مالی در وضعیت بسیار شکننده ای قرار دارند.

نگاهی به این لیست گوشه ای از جنایات حکومت را نشان میدهد. اما هر نمونه از این لیست خود دلیل کافی ای برای بایکوت چنین حکومتی است. بایکوت جمهوری اسلامی بخاطر همه جنایاتش و محاکمه تک تک سران حکومت خواست مردم ایران است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی، سالهاست که کارزار اخراج جمهوری اسلامی این حکومت جنایتکار و آپارتاید جنسی را به پیش میبرد. ما از همه اتحادیه های کارگری و سازمان های بشردوستانه در جهان می خواهیم که به ما بپیوندند و از اخراج این رژیم و همه نمایندگان آن از سازمان بین المللی کار در آستانه کنفرانس سالانه این سازمان حمایت کنند. تاکنون تعدادی از اتحادیه های کارگری و شخصیت های سیاسی شناخته شده جهانی از این کمپین حمایت کرده و از اخراج رژیم اسلامی از سازمان بین المللی کار حمایت کرده اند کمپین برای آزادی کارگران زندانی برای همراه کردن اتحادیه های کارگری دیگر در سطح جهان با این کارزار تلاش میکند.

اجلاس سالانه امسال سازمان جهانی کار در در روزهای ۱۲ تا ۲۳ خرداد (دوم تا سیزدهم ماه ژوئن) برگزار خواهد شد. کمپین برای آزادی کارگران زندانی همچون سالهای گذشته در اعتراض به حضور هیات جمهوری اسلامی در این اجلاس و با تاکید بر اخراج جمهوری اسلامی از این سازمان به ژنو خواهد رفت و تلاش میکند صدای اعتراض کارگران و مردم ایران در آنجا باشد.

شهلا دانشفر سخنگوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی - آپریل ۲۰۲۵

برگرفته از مدیای اجتماعی